

رفاه ذهنی و دلایل مؤثر بر آن

(بررسی وضعیت رفاه ذهنی و دلایل مؤثر بر آن در دو استان کردستان و سمنان)

نادر مروتی* ، محمد سعید ذکایی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۹

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی وضعیت رفاه ذهنی دو استان سمنان و کردستان می‌باشد. به سبب سطح بالای رفاه عینی در استان سمنان، انتظار بر این بود که رفاه ذهنی نیز در این استان در سطح بالایی باشد و برای کردستان به خاطر شرایط رفاه عینی، شاهد سطح رفاه ذهنی پایینی باشیم. اما یافته‌ها نشان می‌دهد که وضعیت رفاه ذهنی در سمنان در سطحی کمی پایین‌تر از متوسط و در کردستان در سطح متوسطی است. بر اساس یافته‌ها، هر چند بخشی از وضعیت رفاه ذهنی به رفاه عینی برمی‌گردد؛ اما دلایل دیگری بر این وضعیت تاثیرگذارند. در این رابطه دین مضمون موثری بر وضعیت رفاه ذهنی بوده که در بین ساکنان سمنان دارای اهمیت بیشتری بوده است. وضعیت قومی، هویت و فرهنگ قومی برای مردم کردستان بسیار مهم‌تر بوده و بر وضعیت رفاه ذهنی آنان تاثیرگذار است. محیط و فضای اجتماعی بر وضعیت رفاه ذهنی تاثیرگذار می‌باشد که تاثیرگذاری آن در بین کردها بیشتر است. مضمون احساس عدالت نتوانسته تفاوت زیادی در رفاه ذهنی ایجاد نماید؛ زیرا هر دو گروه احساس تبعیض را تجربه می‌کنند؛ ساکنین کردستان بیشتر تبعیض قومی را تجربه می‌نمایند و ساکنین استان سمنان در سطح فردی و دست‌یابی به موقعیت‌های بالاتر احساس تبعیض را تجربه نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: رفاه ذهنی، دینداری، وضعیت قومی، احساس عدالت، محیط جغرافیایی،

فضای اجتماعی

بیان مسئله

رفاه اجتماعی خصلتی پویا و متحول دارد و متناسب با تغییرات جوامع و رشد انتظارات و نیازها دگرگون می‌شود. تا دهه ۱۹۵۰ به رفاه به عنوان مقوله‌ای اقتصادی و در قالب شاخص‌های عینی و کمی همچون درآمد و مصرف نگریسته می‌شد. با تاکید بر وجود تفاوت‌های بنیادی، بین متغیرهای اقتصادی و متغیرهای اجتماعی و نارسایی شاخص‌های اقتصادی برای توضیح وضع اجتماعی، کوشش‌هایی برای ساخت شاخص‌های اجتماعی از اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و در سیر تکاملی خود مفاهیم گوناگونی را به جامعه متخصصان ارائه داد که از آن جمله می‌توان به مفاهیمی نظیر: "حسابداری اجتماعی"^۱، "تابع رفاه"^۲، "کیفیت زندگی"^۳، "مطلوبیت"^۴ و "اقتصاد شادکامی"^۵ اشاره نمود. همچنین در بسیاری از مواقع و قبل از سال ۱۹۹۰، رفاه زیاد مورد توجه نبود و بیشتر بر درآمد و ثروت به عنوان شاخص‌های بهتر شدن و اثربخشی زندگی به صورت مصنوعی تاکید می‌شده است. از سال ۱۹۹۰ در برنامه مطالعات سازمان ملل بر کیفیت زندگی تمرکز شده و به نوعی رفاه ذهنی^۶ وارد مطالعات توسعه‌ای شد. بعد از سال ۱۹۹۰ بررسی رفاه ذهنی و همراه بودن آن با رفاه عینی^۷ وارد عرصه تحقیقات توسعه شد و در بسیاری مواقع تاثیرات مثبت رفاه عینی بر زندگی را به چالش کشید (Kesebir, 2008: 2). در واقع باید در کنار معیارها و فاکتورهای کمی و اقتصادی برای نشان دادن وضعیت رفاهی، عوامل دیگری از جنس عوامل فرهنگی و اجتماعی را نیز وارد نموده و جامعیت شاخص‌های اندازه‌گیری رفاه را ارتقاء بخشید. در این تفسیر از رفاه، ارزیابی‌های چندبُعدی از زندگی، قضاوت شناختی درباره رضایت از

1. Social Accounting
2. Welfare function
3. Quality of life
4. Desirability
5. Economics of happiness
6. Objective well-being
7. Subjective well-being

زندگی و ارزیابی مؤثر از عواطف و حالات روحی مورد توجه قرار می‌گیرد تا سطوح متفاوت از رفاه را در میان افراد متفاوت ارزیابی نموده و امکان برنامه‌ریزی صحیح برای سیاستگذاران اجتماعی فراهم گردد. برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح رفاه اجتماعی جز با در نظر گرفتن جامعیت آن و بررسی دو بُعد عینی و ذهنی آن مقدور نیست.

در زندگی انسان مادیت و معنویت، چنان به هم آمیخته‌اند که تفکیک آن دو امکانپذیر نیست و توفیق در معنویت و رشد معنوی انسان، لازمه‌اش توجه و تدبیر در زمینه‌های مادی است و یا برعکس برای ارتقا در کمیت زندگی و ارائه خدمات اجتماعی لازم به افراد جامعه، باید به کیفیت زیست انسان در بُعد معنوی و فرهنگی توجه شود، به گونه‌ای که یکی فدای دیگری نشود (زاهدی اصل، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۰). از نگاه دینر، رفاه ذهنی شامل تمام ارزیابی‌های بازتابی شناختی همچون رضایت از زندگی، رضایت شغلی، علاقه، تعهدات و همچنین شامل عکس‌العمل‌های عاطفی در برابر وقایع زندگی همچون شادی یا ناراحتی می‌باشد. بنابراین رفاه ذهنی مانند چتری است برای ارزیابی‌های متفاوتی که افراد بر اساس زندگی‌شان و نوع وقایعی که برایشان اتفاق می‌افتد، تفسیر می‌کنند (Diener, 2005: 52).

بر همین اساس تحقیقات زیادی مؤید این حرف است که رفاه تنها محدود به اقتصاد نشده از جمله؛ نظرسنجی مؤسسه بین‌المللی «گالوپ» در ارتباط با بُعدی از رفاه ذهنی (احساس شادی و شادکامی) بیان می‌کند که از ده کشور برتر در این زمینه ۷ کشور متعلق به آمریکای لاتین است که دارای رفاه عینی پایینی هستند. عکس این قضیه در ژاپن وجود دارد که با وجود ۶ برابر شدن درآمد سرانه ژاپنی‌ها از سال ۱۹۶۰ تا بحال، اما تغییر محسوسی در احساس خوشبختی ژاپنی‌ها اتفاق نیفتاده است. نتایج «گالوپ» در مورد ایران نیز بیان می‌دارد که: با وجود اینکه ایران از نظر اقتصادی در انتهای جدول نیست اما نتایج نظرسنجی‌های مؤسسه در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ مردم ایران را در کنار عراقی‌ها به عنوان عصبانی‌ترین مردم دنیا و مردمی با بیشترین تجربه‌های منفی روزانه معرفی کرده است. این مؤسسه در سال ۲۰۱۳ نیز ایران را به

عنوان دومین کشور غمگین دنیا در لیست کشورهای ناشاد قرار داد. در نتایج تحقیقات این موسسه، از نظر شادی نیز ایران کشور ۱۰۵ جهان است و در کنار کشورهایی چون نپال، زامبیا و فلسطین قرار دارد (مؤسسه بین المللی گالوپ).

برای بررسی کشور ایران نیز با توجه به تنوع جغرافیایی، قومیتی، فرهنگی و اجتماعی این کشور، باید به این تفاوت‌ها و تنوع‌ها توجه داشت و نباید کشور ایران را به صورت یکپارچه دید و حکم کلی در مورد مولفه‌های رفاه ذهنی برای تمام استان‌های آن صادر کرد. در فاز قبلی تحقیق حاضر با عنوان "بررسی میزان انطباق رفاه ذهنی با عینی و تأثیر عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان استانهای کردستان و سمنان" که با روش تحقیق کمی انجام شد، بخشی از نتایج حاکی از آن بود که: از لحاظ سطح رفاه عینی اختلاف معناداری بین دو استان سمنان و کردستان وجود داشته و میزان رفاه عینی شهروندان استان کردستان بسیار پایین‌تر از استان سمنان می‌باشد؛ با این وجود میزان احساس رفاه ذهنی هر دو استان تقریباً برابر و در سطح متوسط قرار داشته است و تفاوت معناداری بین دو استان از لحاظ سطح رفاه ذهنی وجود ندارد.

با توجه به اینکه شکاف بین انطباق رفاه ذهنی و عینی در دو استان کردستان و سمنان در دو جهت مثبت و منفی وجود داشت؛ به این معنا که در یکی با وجود رفاه عینی کم، احساس رفاه ذهنی بالاتر و در دیگری برعکس بود؛ که فهم دقیقتر اینکه وضعیت رفاه ذهنی در دو استان چگونه است؟ و دلایل این وضعیت کدام است؟ نیازمند یک بررسی کیفی است. در این تحقیق در پی بررسی دلایل این امر با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی دو استان کردستان و سمنان برآمدیم. بر این اساس در این پژوهش به دنبال آن هستیم که دریابیم: وضعیت رفاه ذهنی در دو استان کردستان و سمنان چگونه است و دلایل این وضعیت کدامند؟

پیشینه تجربی

پژوهشگر	سال پژوهش	عنوان	روش	جامعه آماری	یافته‌ها
هزارجریبی و صفری شالی	۱۳۹۰	احساس رفاه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن	پیمایش	افراد ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن شهر تهران	اعتماد به کارایی مسئولان، دینداری، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و احساس عدالت اجتماعی تأثیر مستقیمی بر میزان احساس رفاه اجتماعی داشته و متغیرهای احساس بیگانگی اجتماعی و تقدیرگرایی تأثیر کاهنده بر احساس رفاه داشته‌اند.
نبیلی و بابازاده خراسانی	۱۳۹۱	شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران	تحلیل داده ثانویه	۴۶۲۰ مشاهده جمع‌آوری شده مؤسسه بررسی ارزش‌های جهانی	درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط خانوادگی، سن و جنسیت بر سطح رفاه شهروندان ایرانی تأثیر گذارند. همچنین با بالا رفتن میزان مذهبی بودن، میزان شادکامی افزایش می‌یابد.
حسین بارگاهی	۱۳۹۲	رفاه ذهنی و عوامل مؤثر بر آن در میان جوانان	پیمایش	افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران	آنومی اجتماعی دارای تأثیر معکوس بر میزان رفاه ذهنی می‌باشد. پایگاه اجتماعی - اقتصادی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی نیز به ترتیب به صورت مستقیم بر رفاه ذهنی تأثیر گذارند.
رضا محبوبی	۱۳۹۳	رابطه میزان دینداری و رفاه ذهنی	پیمایش	ساکنان شهر ارومیه	فرض میزان دینداری در احساس رفاه اجتماعی تأثیر گذار است به تأیید رسیده است و از بین ابعاد چهارگانه میزان دینداری عامل «اخلاق» در مقایسه با سایر عوامل، بیش از همه در احساس رفاه اجتماعی تأثیر گذار است

کامفیلد و همکاران ^۱	۲۰۰۵	بررسی رابطه بین شادکامی، رفاه عینی و ذهنی	پیمایش	روستاهای تایلند	شاخص‌های رفاه ذهنی که بر ارضاء نیازهای اساسی تمرکز داشته‌اند تأثیر معنی‌داری بر احساس خوشبختی و رضایت خانوار داشته‌اند. درک فرد از موقعیت اقتصادی خانواده در مقایسه با بقیه جامعه، تأثیر معنی‌داری بر میزان خوشبختی و رضایتمندی افراد دارد
نایت و گوناتیلاکا ^۲	۲۰۰۸	آرزوها، سازگاری و رفاه ذهنی مهاجران روستایی-شهری	پیمایش	خانوارهای مهاجر روستایی-شهری مستقر در پایتخت چین	انتظارات بالای مهاجرین روستایی-شهری در رابطه با دستیابی به آرزوها، تحت تأثیر گروه‌های مرجع جدید، باعث سرخوردگی آنها می‌شود؛ در واقع مهاجرین با تغییر گروه مرجع خود و در مقایسه با گروه مرجع جدید احساس محرومیت نسبی می‌کنند و این امر منجر به کاهش احساس شادکامی، خوشبختی و رفاه ذهنی در آنها می‌شود
مینکو ^۳	۲۰۰۹	عوامل پیش‌بینی کننده رفاه ذهنی	تحلیل داده ثانویه	داده‌های مرتبط با ۹۷ کشور	پیش‌بینی کننده اصلی جنبه شناختی رفاه ذهنی به ترتیب درک از دستیابی به اولویت‌های زندگی و ثروت است. همچنین جنبه عاطفی توسط متغیرهای: درک از دستیابی به اولویت‌های زندگی، اوقات فراغت و هیجان در زندگی توضیح داده می‌شود.
سانچز و همکاران ^۴	۲۰۱۷	رفاه ذهنی و درک فرصت‌های سلامت	پیمایش	شهروندان کشور شیلی	نمره رفاه ذهنی زنان بیشتر از مردان است. با بالا رفتن سن شاهد افزایش رفاه ذهنی هستیم. مردم به نهادهای اجتماعی اعتماد بیشتری دارند و نهادهای سیاسی دارای کمترین اعتماد هستند.

1. Camfield et al
2. Knight & Gunatilaka
3. Minkov
4. Sanchez

با بررسی تحقیقات صورت گرفته داخلی و خارجی، می‌توان نکاتی را ذکر کرد که در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌شود. ۱- کشور ایران دارای شرایط جغرافیایی و نیز تنوع قومیتی و فرهنگی بالایی است. هر کدام از این قومیت‌ها دارای مناسبات اجتماعی، عناصر فرهنگی و شرایط اقتصادی خاص خود می‌باشند. و بررسی میزان رفاه ذهنی در قالب یک تحقیق بدون در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، بدون خطا نخواهد بود. ۲- ارائه سیاستگذاری کلان بر اساس برنامه‌های یکسان برای کل کشور در جهت ارتقاء رفاه ذهنی نیز تام و تمام نخواهد بود. ۳- تمام تحقیقات پیشین داخلی تنها به بررسی یک جامعه آماری پرداخته‌اند و حتی یک مقایسه تطبیقی بین دو جامعه مختلف صورت نگرفته است.

چارچوب مفهومی

رفاه عینی و رفاه ذهنی به عنوان دو بخش از یک کل دارای تعاملی دوسویه هستند و از هم تأثیر و تأثر می‌پذیرند. به ویژه در موقعیت و فضاهای مختلف این امر بیشتر خود را نشان می‌دهد. در بررسی رفاه ذهنی و عینی، ادراکی که فرد از موقعیت خود دارد اگرچه وجهی ذهنی دارد اما برون‌فکنی شده و پیامدهای عینی و واقعی می‌یابد. بدین معنا که امکانات ساختاری و عینی چگونه در فرد احساس رفاه ایجاد می‌کنند. این احساس اگرچه در ساختار روانی فرد تجربه می‌شود و ماهیتی ذهنی دارد اما محصولی ساختاری و اجتماعی است. با توجه به دگرگونی در مفهوم رفاه اجتماعی و تحولات صورت گرفته؛ این تحقیق درصدد است تا مفهوم رفاه ذهنی و مقایسه آن در دو جامعه مختلف با دو سطح متفاوت از رفاه عینی و در عین حال متفاوت در ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تجربیات روزمره زندگی را بررسی کند. در این رابطه نظریه کنش متقابل نمادین بیان می‌کند که پاسخ انسان‌ها به موقعیت‌ها و شرایط مختلف مبتنی بر معنایی است که به آن اعمال نسبت می‌دهند.

در این سنت به فراگردهای ذهنی انسان تاکید می‌شود و به همین دلیل است که درک افراد از موضوع رفاه اجتماعی درک واحدی نیست و هرکس بر مبنای ذهن خود درک متفاوتی از این واقعیت اجتماعی دارد. مطابق این دیدگاه، معنا به تنهایی وجود ندارد، بلکه انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر خواهان رسیدن به مقاصد عملی هستند و معنا نیز در همین کنش‌های متقابل و برای رسیدن به نتایج مشترک تکوین می‌یابد. (کرایب، ۱۳۸۱: ۱۰۹). فیتزپتریک نیز کوشیده است تا حد و مرزهای یک تعریف جامع و مانع از "رفاه" را ترسیم کند و برای آن شش بُعد شادکامی، تأمین، ترجیحات، نیازها، استحقاق و مقایسه‌های نسبی را برشمرده است. (فیتز پتریک، ۱۳۸۵: ۲۰). این تعریف و موارد مطرح شده می‌تواند تعریفی کامل از رفاه باشد، زیرا ابعاد مرتبط با رفاه ذهنی را نیز مدنظر قرار داده است.

نظریه توسعه انسانی^۱ بر کیفیت زندگی در همه ابعاد آن از یکسو و انتخابی بودن شیوه زندگی از سوی دیگر متمرکز است. آمارتیا سن در زمینه میزان برخورداری از سطح زندگی متفاوت و تأثیر میزان برخورداری از آزادی انتخاب^۲ و تأثیر آن بر رفاه اجتماعی بر اساس تفاوت در مناطق خاص، نظریات خویش را مطرح کرده است. آمارتیا سن داوری در مورد توسعه بر حسب رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی^۳ را صحیح نمی‌داند و معتقد است که توسعه یک فرایند کیفی و چندوجهی است. از نظر سن رویکردهای رشد محور با محوریت شاخص‌های کمی درصددند که تنوعات میان فردی را نادیده بگیرند و با ساده نمودن آنها از یک فضا به فضای دیگر عبور کنند. مثلاً از درآمد به آزادی و برابری و حتی رفاه سوق پیدا کنند. (سن، ۱۳۹۰: ۴۴). این نظریه می‌تواند به تبیین وضعیت رفاه ذهنی و تفاوت آن کمک کند؛ بویژه اینکه دو استان مورد بررسی در این تحقیق از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی و نیز رشد اقتصادی و رفاه عینی

-
1. Human development
 2. Freedom of choice
 3. Gross national product

دارای تفاوت زیادی بوده و در عین حال نیز با دو فضای متفاوت از نظر فرهنگی، اجتماعی و مذهبی مواجه هستیم.

همان‌گونه که ذکر شد دو استان مورد بررسی دارای دو وضعیت قومیتی متفاوت با دو بافت فرهنگی و اجتماعی و سیاسی متفاوت می‌باشند. پس توجه به این مسئله و تبیین موضوع مورد پژوهش نیازمند استفاده از نظریات مرتبط با این مقوله به عنوان خطوط راهنما می‌باشد. قومیت و وضعیت قومی نیز به عنوان یک عامل مؤثر بر رفاه می‌تواند به صورت‌های دیگر بروز پیدا کند. به نظر بوردیو یک عرصه نوعی قلمرو زندگی اجتماعی است که دارای قواعد سازمان‌دهی خاص است، مجموعه‌ای از موقعیت‌ها را فراهم می‌کند و حامی کنش‌های مرتبط با آن موقعیت‌هاست. مشارکت‌کنندگان عرصه‌های اجتماعی، در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارند. از نظر بوردیو، کنش موجود در یک عرصه، محصول انواع طرح‌های متضاد موضع‌گیری است (بوردیو، ۱۳۸۵: ۳۲۰).

در این ارتباط نظریه رمانتیسیم آمده است. یکی از مباحث اساسی این مکتب "روح قومی" می‌باشد. هر قومی روح خاص خود را دارد و کاملاً متمایز با اقوام دیگر است. تمام دستاوردهای یک قوم محصول این روح قومی بوده و نشانه خاص آن را با خود دارد، کما اینکه این نشان را بر افراد یا اعضای خود نیز حک می‌کند. از این منظر سعادت فرد در پیوستن به این روح قومی است. روح قومی همان هویت اجتماعی^۲ هر فرد است که از طریق انعکاس یا تظاهر آن در فرد، جامعه را به وحدت و تمامیت خود می‌رساند. از آنجایی که روح قومی نماد و معرف کل جامعه بوده و تاریخ و تمام دست‌آوردهای فرهنگی - اجتماعی یک قوم، حاصل آن است، این روح قومی موضوع تعلق خاطر، دلبستگی و افتخار یا پرستش افراد آن قوم نیز هست. (کچوئیان، ۱۳۸۷: ۲۴). رهیافت استعمار داخلی نیز بر این نکته تاکید دارد که همبستگی قومی ممکن است در

-
1. Ethnic spirit
 2. Social Identity

داخل یک جامعه ملی، در نتیجه تشدید نابرابری‌های ناحیه‌ای میان مرکز فرهنگی متمایز و جمعیت پیرامون آن، تقویت شود. بر اساس نظر هشتر، تفاوت بین مرکز و پیرامون باعث سرخوردگی جوامع و اقلیت‌های قومی و در کل سرخوردگی فرهنگی و نژادی در میان مردم یک کشور می‌شود. (Hechter, 2005: 60).

یکی دیگر از فاکتورهای مؤثر بر احساس رفاه یک جامعه دین می‌باشد. به بیان دورکیم دین شیوه بیان ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات جمعی هر اجتماع است. دین عقیده صرف نیست، بلکه با مراسم و مناسک همراه است که این خود نوعی حس همبستگی گروهی را تقویت می‌کند و بیانگر تأثیر و نفوذ جمع بر فرد است. دین در خود، هم احساس و رفتار دارد و هم شیوه تفکر (افروغ، ۱۳۷۳: ۱۱۰). دورکیم یک دید کارکردگرایانه به دین دارد. او در جایی عنوان می‌کند که شرکت‌کنندگان در مناسک جمعی حس می‌کنند که با انجام این اعمال از وقوع یک امر ناخوشایند جلوگیری می‌کنند و شرایط رسیدن به یک وضع مطلوب را فراهم می‌کنند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۷).

هری آلپر چهار کارکرد عمده دین را، از دیدگاه دورکیم، به عنوان نیروهای اجتماعی انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و سعادت‌بخش طبقه‌بندی نموده است. در وسیع‌ترین سطح، دین بعنوان یک نهاد اجتماعی^۱، به رفتاری‌های وجودی انسان معنای خاص می‌بخشد زیرا فرد را به "قلمرو فرافردی" ارزش‌های متعالی وابسته می‌سازد (محبوبی، ۱۳۹۲: ۱۷۸). وبر نیز در مورد دین و ارتباط آن با سعادت، این دو را با یکدیگر مرتبط دانسته است. به نظر وبر از طریق آموزه‌های دینی چنین وانمود می‌شود که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان ظاهری‌اند، بدین‌سان دین می‌تواند خصلت به ظاهر خودسرانه جهان را معنادار و سامانمند جلوه دهد. وبر کارکرد دین را "توجه الهی" بدبختی و خوشبختی می‌نامد (بیابانی، ۱۳۸۱: ۶۴).

از نظریات اینگلهارت و بخشی از نظریه آمارتیاسن در ارتباط با عوامل زمینه‌ای

(جنسیت، سن، تحصیلات و زندگی در شهر/روستا) استفاده شده است. آمارتیا سن در زمینه احساس رفاه و فقر اجتماعی معتقد است که ناهمگنی شخصیتی بسته به سن، جنسیت، معلولیت، استعداد ابتلا به بیماری و... با گوناگونی در محیط زیست فیزیکی، تغییرات در شرایط اجتماعی و تفاوت در چشم‌اندازهای نسبی مرتبط است. وی این سه عامل را فاکتورهای مهمی در احساس فقر می‌داند که بر نگاه عدالت‌محورانه و درک رفتارهای افراد تاثیرگذارند (سن، ۱۳۸۹: ۲۱۳). استرلین نیز معتقد است که با افزایش سن احساس خوشبختی و رضایت از زندگی کاهش می‌یابد. اینگلهارت نیز با استناد به مدل تطابق آرمان‌ها نشان می‌دهد که، عوامل ثابت‌تر و برجسته‌تری مانند جنسیت و زندگی در شهر یا روستا مهم‌تر و تاثیرگذارتر از دیگر متغیرها بر رفاه ذهنی افراد می‌باشند (اینگلهارت و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۸).

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد در تحقیق حاضر، پس از مرور نظریات مرتبط؛ تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی برای اتخاذ الگویی راهنما و انتخاب عوامل مورد بررسی تحقیق استفاده شد. هرچند در این تحقیق نمی‌توان به تنهایی از هیچ‌کدام از تئوری‌ها و یا تحقیقات به عنوان الگویی کامل استفاده نمود و دلیل آن هم شاید نبود تحقیق جامعی باشد که تفاوت‌ها را در ابعاد مختلف فرهنگی، قومی، هویتی، اقتصادی، جغرافیایی و نوع دین و میزان دینداری در کنار دوری و نزدیکی به مرکز قدرت بسنجد. اما می‌توان از یک یا چندعامل هر تحقیق کمک گرفت. در واقع با توجه به دگرگونی در مفهوم رفاه اجتماعی، تغییر در ذات تعاریف و تحولات صورت گرفته در جوامع و نیز تاکید نظریه‌پردازان بر تجربه، ساختار و اجتماع؛ این تحقیق بر آن شد تا وضعیت رفاه ذهنی و دلایل مرتبط و تاثیرگذار بر آن را در دو جامعه مختلف با دو سطح متفاوت از رفاه عینی و در عین حال تفاوت در ساختار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تجربیات روزمره زندگی بررسی کند.

در این رابطه نظریات مرتبطی که مرور شدند هر چند هیچ‌کدام از نظریه‌ها مدلی کامل از ارتباط را نشان نداده و نتوانسته‌اند بصورت تام و تمام راهنمای مسیر باشند اما

هر کدام در انتخاب، بررسی و تحلیل یک یا چند عامل راهنما بوده‌اند. با توجه به اینکه بررسی وضعیت رفاه ذهنی در دو جامعه متفاوت از لحاظ سطح رفاه عینی، قومی، جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مدلی جامع را می‌طلبد و نیز عدم وجود نظریه و مدلی جامع در این زمینه، این تحقیق امیدوار است که ضمن استفاده از نظریات مختلف و با بررسی و مقایسه دو جامعه متفاوت با شرایط متفاوت، بتواند به مطالعه جدید و میزان و نوع ارتباط عوامل جدید بپردازد.

سؤالات پژوهش

- ۱- وضعیت رفاه ذهنی در دو استان چگونه است؟
- ۲- وضعیت دینداری چگونه می‌تواند بر رفاه ذهنی در دو استان کردستان و سمنان تأثیر بگذارد؟
- ۳- وضعیت قومی و فرهنگ قومی چگونه می‌تواند بر رفاه ذهنی در دو استان کردستان و سمنان تأثیر بگذارد و تفاوت آن در بین دو گروه قومی مسلط و حاشیه چگونه است؟
- ۴- وضعیت احساس عدالت در بین دو استان چگونه می‌باشد و این مفهوم چگونه می‌تواند بر رفاه ذهنی در دو استان کردستان و سمنان تأثیر بگذارد؟
- ۵- محیط جغرافیایی و فضای اجتماعی چگونه می‌تواند بر وضعیت رفاه ذهنی ساکنین کردستان و استان سمنان تأثیرگذار باشد؟

روش‌شناسی

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، محققین در فاز اول تحقیق، پژوهشی با عنوان "بررسی میزان انطباق رفاه ذهنی با رفاه عینی و تأثیر عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان استان‌های کردستان و سمنان" انجام داده‌اند که با یک رویکرد کمی به سؤالات یادشده

پاسخ داده و در تحقیق حاضر در پی بررسی وضعیت رفاه ذهنی و دلایل تاثیرگذار بر آن شامل: دینداری، وضعیت قومی، احساس عدالت، فضای اجتماعی و محیط جغرافیایی با یک رویکرد کیفی هستند. بر این اساس در این تحقیق از روش تحلیل کیفی^۱ و به شیوه تحلیل تماتیک^۲ استفاده شده است. میدان تحقیق دو استان کردستان و سمنان می باشد و منابع گردآوری اطلاعات متخصصین و صاحب نظران در حوزه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دو استان بوده اند. محققین پس از انجام مصاحبه با ۲۵ نفر از متخصصین به اشباع نظری رسیده اند و تا انجام ۲۷ مصاحبه پیش رفته اند.

ابزار گردآوری داده ها مصاحبه عمیق به روش نیمه ساختاریافته بوده است و در ارتباط با محورهای تحقیق سوالاتی همچون این موارد مطرح شده است: نقاط مثبت و منفی فرهنگی مردم استان سمنان/ کردستان چه هستند؟ چه عواملی برای مردم دو استان زندگی خوبی را به همراه داشته اند؟ وضعیت مناسبات و روابط درون خانوادگی مردم دو استان؟ ارزیابی مناسبات و روابط محلی و همسایگی مردم دو استان؟ دنیای زندگی جوانان و اولویت ها و دغدغه های آنها؟ تفاوت بین طبقات اقتصادی ضعیف و قوی مردم دو استان در ارتباط با احساس خوشبختی، رضایت از زندگی، شادی، خوشحالی و کیفیت زندگی؟ تأثیر رشد امکانات آموزشی و بالارفتن سطح تحصیلات مردم بر رضایت از زندگی، احساس شادکامی و کیفیت زندگی مردم دو استان؟ تأثیر سنت های محلی و رسوم مردم دو استان بر زندگی و رفتار آنها؟ موقعیت جغرافیایی بر روی زندگی مردم ساکن دو استان چه تاثیری داشته است؟ آینده دو استان سمنان/ کردستان را چگونه ارزیابی می کنید چه فرصت ها و تهدیداتی وجود دارد؟ و حاکمیت در کدام زمینه ها توجه ویژه ای به استان سمنان/ کردستان داشته و در کدام زمینه ها به این استان کم توجهی کرده است؟

-
1. Qualitative analysis
 2. Thematic Analysis

مدت زمان هر مصاحبه ۱ تا ۱/۵ ساعت بوده و به صورت حضوری صورت پذیرفته و ضبط شده است. تمام ملاحظات اخلاقی همچون محرمانه بودن مشخصات مصاحبه شوندگان، آزادی عمل در اعمال نظر و نیز قطع و ترک مصاحبه توسط مصاحبه شوندگان رعایت گردید. سپس مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شده و اطلاعات استخراج شده است. در تحلیل تماتیک از روش پنج مرحله‌ای: آشنایی با مفاهیم، کدسازی عمومی ابتدایی، جستجو برای ساختن تم، مرور تم‌ها، نام‌گذاری و تعریف تم‌ها و تهیه گزارش نهایی استفاده شده است. برای قابلیت اعتماد و پایایی از دو روش تکنیک ممیزی و زاویه‌بندی استفاده شده است. سعی شده است موارد مختلف بررسی شوند. بررسی‌ها توسط ۳ محقق صورت پذیرفته و همزمان بازخورد بعضی از متخصصین در مورد موضوع بررسی شده و موافقت یا مخالفت آنها با برداشت از موضوع و جمع‌بندی آن اعمال شده است.

یافته‌های تحقیق

پس از رسیدن به اشباع نظری و تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته، ۷ مقوله و مضمون اصلی شامل: انواع سرمایه، دینداری، احساس تبعیض، موقعیت جغرافیایی و طبیعی، وضعیت قومی، رضایت از زندگی و خصیصه‌های بارز رفتار اجتماعی؛ بدست آمد.

مقوله‌های استخراج شده در جدول زیر آمده است:

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مقوله ریز فرعی	مصادیق
انواع سرمایه	سرمایه اجتماعی	روابط اجتماعی (شبکه اجتماعی)	فردگرا / جمع گرا بودن در روابط روابط درون خانوادگی رابطه با فامیل‌های درجه یک و دو روابط اجتماعی با همسایه‌ها و افراد محله روابط اجتماعی خارج از حیطه خانوادگی صمیمیت و مهربانی فراوان با اعضای خانواده امکان برقراری ارتباط با غریبه‌ها و سایر اقوام
			حمایت اجتماعی محدود به افراد درجه یک خانواده حمایت اجتماعی خانوادگی و فامیلی قوی حمایت اجتماعی در سطح همسایه‌ها و افراد محله احساس تعلق به اعضای جامعه و در کنار آن حس مهم بودن
سرمایه اقتصادی	-	-	سطح توسعه یافتگی و وضعیت زیرساخت‌ها و شاخص‌های توسعه نرخ بیکاری / متوسط سطح درآمد مهاجرت اجباری بنا به دلایل اقتصادی وضعیت بعد عینی کیفیت زندگی برخورداری از امکانات رفاهی (بهداشتی، تفریحی، آموزشی و ...)
			دینداری

<p>حضور در مساجد و مکان‌های مذهبی شرکت در مراسم روضه و عزاداری پیامبر و ائمه شرکت در اعیاد مذهبی شرکت در هیأت‌های مذهبی شرکت در نماز جماعت وجود اماکن و ابنیه مذهبی انجام رفتارها و رعایت هنجارهای دینی و مذهبی</p>	-	بعد مناسکی	
<p>احساس عدالت / تبعیض نسبت به: سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در امور اقتصادی و صنعتی شبکه راه‌های موجود سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در امر آموزش وجود امکانات تفریحی و فرهنگی بزرگ وجود امکانات پزشکی و درمانی وجود امکانات و مراکز ورزشی و تفریحی برخورداری از امکانات رفاهی وجود نوعی اشتغال همه‌گیر و داشتن شغل برای اکثر مردم توجه به اخذ مدرک و امیدواری به تأثیر آن بر آینده زندگی شغلی نسبت آمار بیکاری تحصیل‌کردگان سطح درآمد مناسب برای عموم</p>	-	احساس تبعیض اقتصادی	احساس تبعیض
<p>امکان دستیابی هم قومیت‌ها به مقام‌های مدیریتی بالاتر سطح استان توانایی هم قومیت‌ها در ارتقاء در مدیریت‌های کلان کشوری احساس شهروند درجه یک بودن امکان شرکت در نشست‌های سیاسی مرتبط با قومیت خویش امکان ارائه نظر مخالف در ارتباط با مسائل قومیتی خود بدون استرس امکان نقد برنامه‌ها و روزنامه‌ها و تلویزیون در ارتباط با</p>	-	احساس تبعیض سیاسی	

محتوای مرتبط با قومیت خویش داشتن مدیران و سیاستمداران قدرتمند از هم قومی‌ها در دایره قدرت			
وضعیت محیط طبیعی و برخورداری از طبیعت کویری یا چهار فصل وضعیت جغرافیایی و طبیعی استان‌های همجوار دوری و نزدیکی به پایتخت در مسیر و معرض پدیده‌های گردشگری و مسافرتی قراردادن	-	-	موقعیت جغرافیایی و طبیعی
تنوع قومیتی یا یک دست بودن قومی تنوع فرهنگی و تنوع زیست و آداب و رسوم وجود انواع لباس‌ها، مراسم‌ها، سبک‌های غذایی و فرهنگ‌های متفاوت وجود هویت قومی خاص و یکدست امکان مراوده با هم استانی‌های مشابه با توجه به وجود عناصر فرهنگی مشترک افتخار، مشارکت، احساس تعلق و احساس غرور نسبت به: رسم و رسومات محلی و قومی، مراسم‌ها و جشن‌های قومی و موسیقی قومی وضعیت و احساس هویت قومی	-	-	وضعیت قومی
اولویت دادن به تحصیلات و سختکوشی در این زمینه	-	-	تحصیلات و آموزش
رضایت از وضعیت اقتصادی امید به آینده پنداشت از وضعیت خود داشتن آرامش در زندگی احساس خوشبختی	-	-	رضایت از زندگی

<p>حجب و حیا، آرام بودن، صبور بودن میزان سازگاری، پیگیر و جدی بودن در انجام امور سختکوش بودن، تلاش بیش از اندازه در پس انداز کردن و صرفه‌جویی کردن، اقتصادی فکر کردن، دست و دلباز بودن روحیه محتاطانه از لحاظ مالی (خساست)، محافظه کار و محتاط داشتن فرهنگ قناعت، مصرف‌گرایی، فردگرایی، روحیه منفعت‌گرایانه، جمع‌گرایی</p>	-	-	<p>خصیصه‌های رفتاری- شخصیتی (ویژگی‌های بارز رفتار اجتماعی)</p>
--	---	---	--

پاسخ به سؤالات پژوهش

در پاسخ به سؤال اول پژوهش که به چگونگی وضعیت رفاه ذهنی در دو استان بر اساس نظر متخصصین توجه داشت، نتایج تحلیل تماتیک نشان داد که:

<p>همه معتقدند که استان سمنان از نظر توسعه و رفاه عینی به نسبت سایر نقاط کشور از وضعیت مناسبی برخوردار است، اما سطح رفاه ذهنی در این استان وضعیت مناسبی ندارد و در حد متوسط و یا حتی کمی پایین‌تر از متوسط می‌باشد.</p>	نظر متخصص	استان سمنان
<p>در درون خود استان سمنان شاهد تفاوت در میانگین و سطح رفاه ذهنی در شهرهای مختلف استان هستیم. بنحوی که نمره رفاه ذهنی برای شهرهایی همچون دامغان و شاهرود بسیار بیشتر از شهرهای دیگر استان مانند گرمسار است. همچنین بنظر می‌رسد سطح رفاه ذهنی در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری باشد.</p>	نظر متخصص	
<p>وضعیت و سطح رفاه ذهنی در استان سمنان در بین زنان و مردان متفاوت است و سطح رفاه ذهنی مردان بیشتر از زنان است.</p>	نظر متخصص	
<p>در استان سمنان، سطح رفاه ذهنی در بین سطوح مختلف تحصیلی متفاوت است بدین صورت که وضعیت و سطح رفاه ذهنی در مقاطع مختلف تحصیلی بالاتر، بیشتر است.</p>	نظر متخصص	
<p>سطح رفاه ذهنی در بین افراد متأهل تا حدودی بالاتر از افراد مجرد می‌باشد.</p>	نظر متخصص	

<p>بر خلاف روند توسعه یافتگی پایین، محروم بودن استان از لحاظ امکانات مادی و رفاه عینی، سطح رفاه ذهنی استان کردستان متوسط و حتی در ارتباط با برخی از ابعاد و مولفه‌های آن در سطح بالایی است. در کل می‌توان وضعیت رفاه ذهنی در این استان را متوسط و تاحدودی بالاتر از متوسط دانست.</p>	<p>نظر متخصص</p>	<p>استان کردستان</p>
<p>در درون خود استان کردستان شاهد تفاوت چشمگیر و محسوسی در سطح رفاه ذهنی در شهرهای مختلف استان نیستیم و تقریباً سطح رفاه ذهنی در شهرستانهای مختلف در سطح یکسانی است. همچنین در ارتباط با تفاوت سطح رفاه ذهنی در نقاط روستایی و شهری؛ هر چند تا حدودی تفاوت وجود دارد و سطح رفاه ذهنی مردمان ساکن در نقاط روستایی بیشتر از مردمان شهری است اما در کل بنظر می‌رسد تفاوت محسوسی در میان این نقاط وجود نداشته باشد.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>در کردستان هرچند نشاط، شادی و امید تا اندازه‌ای با فرهنگ عجین شده است اما فقر اقتصادی سال‌های اخیر باعث نوعی ناامیدی و سرخوردگی در مردم شده و تا حدودی امید به آینده را کمتر و سطح رضایت از زندگی را پایین‌تر آورده است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>وضعیت سطح رفاه ذهنی در استان کردستان در بین زنان و مردان تا حدودی متفاوت است و بنظر می‌رسد که سطح رفاه ذهنی مردان کمی بیشتر از زنان است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>در کردستان، سطح رفاه ذهنی در بین سطوح مختلف تحصیلی تفاوت چندانی ندارد و حتی سطح رفاه ذهنی افراد تحصیل کرده و دارای تحصیلات بالا تا حدودی پایین‌تر از افراد دارای سطح تحصیلات پایین‌تر است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>تفاوت محسوسی بین سطح رفاه ذهنی افراد متأهل با افراد مجرد وجود ندارد.</p>	<p>نظر متخصص</p>	

نتیجه‌گیری از وضعیت دو استان براساس نظرات متخصصین

استان سمنان: با توجه به نظر متخصصین مربوطه، نمی‌توان ذکر کرد که رفاه ذهنی و مولفه‌های آن در استان سمنان همچون رفاه عینی در این استان در سطح بالایی قرار دارد. آن‌ها معتقدند که وضعیت رفاه ذهنی در استان سمنان در سطحی کمی پایین‌تر از متوسط می‌باشد. هر چند در درون خود استان سمنان نیز دارای تفاوت‌هایی در وضعیت میزان رفاه ذهنی هستیم. به عنوان مثال میانگین رفاه ذهنی شهر و روستا در استان سمنان متفاوت است و میانگین رفاه ذهنی در روستا بیشتر از شهر است که این اختلاف به دلیل بالاتر بودن سطح انتظارات و آمال در زندگی شهری می‌باشد. مقایسه‌های نسبی نیز می‌تواند بر احساس رفاه افراد تأثیر بگذارد و با توجه به برخورداری از اشتغال، مسکن، تأمین خانوار و موارد دیگر در این مناطق می‌توان گفت مردمان روستایی از وضعیت مقایسه‌ای بهتری نسبت به مناطق شهری برخوردارند. همچنین هر چند تفاوت زیادی بین شهرهای استان سمنان از لحاظ رفاه عینی وجود ندارد اما تفاوت زیادی بین شهرهای استان از لحاظ رفاه ذهنی وجود دارد؛ به گونه‌ای که سطح رفاه ذهنی در شهرهای دامغان و شاهرود بیشتر از سطح رفاه ذهنی شهرهای دیگر استان است.

همچنین سطح رفاه ذهنی در استان سمنان در بین زنان و مردان متفاوت است و سطح رفاه ذهنی مردان بیشتر از زنان است. این تفاوت می‌تواند به این دلیل باشد که زنان نسبت به آینده امید کمتر و همچنین رضایت از زندگی پایین‌تری دارند و همچنین ممکن است نسبت به مردان با تبعیض بیشتری مواجه گردند. در این استان، سطح رفاه ذهنی در بین سطوح مختلف تحصیلی متفاوت بوده است. بدین صورت که وضعیت سطح رفاه ذهنی در مقاطع مختلف تحصیلی بالاتر، بیشتر است. این یافته را با توجه به نظرات متخصصان می‌توان بدین صورت توضیح داد که در استان سمنان افراد تحصیلکرده به پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی بالاتری دست می‌یابند، بنابراین رضایت از زندگی بیشتر و امید به آینده بالاتری دارند. سطح رفاه ذهنی در بین افراد متأهل تا

حدودی بالاتر از افراد مجرد بوده است و این می‌تواند به دلیل توانایی تأمین مادی زندگی خانواده، رسیدن به استقلال مالی و اجتماعی و دستیابی به یک ثبات در مسیر زندگی افراد متأهل در این استان باشد.

استان کردستان: در استان کردستان وضعیت رفاه ذهنی در سطح متوسطی بوده و حتی در بعضی ابعاد تا حدی از متوسط نیز بیشتر است. با توجه به سطح پایین توسعه یافتگی استان کردستان، افرادی که وضعیت اقتصادی مناسبی ندارند ممکن است امید به آینده کمتر، رضایت از زندگی پایین‌تر و در کل سطح رفاه ذهنی پایین‌تری داشته باشند و فقر اقتصادی باعث نوعی ناامیدی و سرخوردگی در مردم شده است، اما در کل رفاه ذهنی در کردستان برخلاف سطح بسیار پایین رفاه عینی وضعیت خوبی دارد. در درون خود استان کردستان شاهد تفاوت چشمگیر و محسوسی در سطح رفاه ذهنی در شهرهای مختلف استان نیستیم و نیز تفاوت زیادی در سطح رفاه ذهنی در نقاط روستایی و شهری وجود ندارد. این مسئله می‌تواند ناشی از یکپارچگی اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و عدم شکاف اقتصادی در میان نقاط مختلف این استان باشد.

همچنین در این استان همانند استان سمنان سطح رفاه ذهنی در بین زنان و مردان متفاوت بوده است و سطح رفاه ذهنی مردان بیشتر از زنان است، که دلایل احتمالی آن پیش‌تر ذکر شد. در کردستان، سطح رفاه ذهنی در بین سطوح مختلف تحصیلی تفاوت چندانی ندارد و حتی سطح رفاه ذهنی افراد تحصیل کرده و دارای تحصیلات بالا تا حدودی پایین‌تر از افراد دارای سطح تحصیلات پایین‌تر است. نظرات متخصصان در این استان بیانگر این نکته بود که افراد تحصیل کرده اغلب به پایگاه بالایی دست نمی‌یابند و در نتیجه احساس یأس و ناامیدی دارند. تفاوت محسوسی نیز بین سطح رفاه ذهنی افراد متأهل با افراد مجرد وجود ندارد. شاید این مسئله بخاطر فشار اقتصادی و وضعیت مالی ضعیف فراگیر در جامعه و نیز تغییر نگرش جوانان نسبت به زندگی و انتظارات و خواسته‌های آنان خارج از سنت و روال نسل گذشته باشد.

جمع‌بندی کلی: با وجود سطح بالای توسعه یافتگی، رفاه عینی و میزان برخورداری در استان سمنان و از سوی دیگر شرایط نامناسب استان کردستان از لحاظ سطح توسعه یافتگی، در نگاه اول انتظار بر این بود که سطح رفاه ذهنی و مولفه‌های آن در استان سمنان در سطح بالایی بوده و برای استان کردستان به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و عدم رشد و توسعه متوازن در مقایسه با سایر نقاط کشور بویژه سمنان شاهد سطح رفاه ذهنی پایینی باشیم، اما نظرات متخصصین، شرایط دیگری را برای مخاطب متصور می‌شود. از نظر آنان هر چند بخشی از نمره رفاه ذهنی به رفاه عینی و برخورداری از امکانات رفاهی برمی‌گردد و وضعیت اقتصادی، میزان رفاه ذهنی را تا سطحی جهت می‌دهد اما مطمئناً رفاه عینی به تنهایی تبیین‌کننده و علت وضعیت رفاه ذهنی نبوده و عوامل دیگری تأثیرگذارند و تأثیر بالای وضعیت رفاه عینی بر وضعیت رفاه ذهنی را تعدیل می‌نمایند.

در یک جمع‌بندی از وضعیت رفاه ذهنی هر دو استان باید خاطر نشان کرد که میزان رفاه ذهنی دو استان در وضعیت مناسبی نبوده و این می‌تواند ناشی از تأثیرات واقعیت اقتصادی- اجتماعی موجود باشد. متخصصین بر این باورند که واقعیت‌های اقتصادی سال‌های اخیر و وضع بد اقتصادی نوعی فضای ناامیدی اجتماعی را سبب شده و بر میزان رفاه ذهنی تأثیرگذار بوده است. در واقع بحران اقتصادی و اجتماعی سال‌های اخیر ناامیدی اجتماعی را زیاد نموده و نوعی ناتوانی در رسیدن به اهداف را به ارمغان آورده است.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش که به چگونگی تأثیر وضعیت دینداری بر وضعیت رفاه ذهنی در دو استان توجه داشت، نتایج تحلیل تماتیک نشان داد که:

رفاه ذهنی و دلایل مؤثر بر آن ... ۵۳

استان سمنان	نظر متخصص	وجود اماکن و ابنیه مذهبی یکی از نکات برجسته و مهم در استان سمنان است (در سمنان بیش از ۳۰ امامزاده وجود دارد) که بر روی رفتارها و هنجارهای این مردمان تأثیرگذار بوده است.
	نظر متخصص	دین یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در نگاه به زندگی و معنابخشی به زندگی در بین آنان بوده و شرکت در آن و احترام بدان نیز از خصیصه‌های مشترک و یک بُعد هویتی و در عین حال عامل انسجام بخش در مردم سمنان می‌باشد.
	نظر متخصص	مذهب عامل اصلی در شکل دهی به اعتقادات و باورهای مردم سمنان است. مذهب سبب شده که نوع باور آن جهانی بر زندگی آنان مسلط شود. هرچند مردمان کوشایی هستند ولی تقدیرگرایی و باور به تأثیر دعا، شفاعت و توسل در بین آنان شایع است.
	نظر متخصص	مردمان این استان همه دارای مذهب تشیع هستند و مذهب تشیع مناسک‌گرا است و همزمان به دلیل وجود نهاد روحانیت منسجم و نوعی اقتدار مذهبی و مشخص بودن ساختار و هرم روحانیت در مذهب تشیع، این مذهب می‌تواند مناسک‌گراتر از سایر مذاهب باشد. همزمان به دلیل یکی بودن مذهب حاکمیت و مذهب مردم استان سمنان و دینی بودن ایدئولوژی حاکمیت که یکی از مبناهای آن را مناسک‌گرایی و تقویت رفتار مذهبی شکل می‌دهد؛ مردم سمنان بیشتر در راستای تبلیغات نهاد حاکمیت و بازتولید رفتار مذهبی قرار دارند، نیز اهمیت مراسم مذهبی چون عاشورا و تاسوعا و بسیاری مراسم دیگر در میان مردم استان سمنان بسیار بالاست.
استان کردستان	نظر متخصص	شهروندان استان کردستان مذهبی هستند و مذهب تأثیر زیادی بر روال تفکر، آینده‌نگری و نوع باورهای آنها دارد.
	نظر متخصص	در کردستان دینداری تأثیر قوی بر احساس از زندگی و معنابخشی به زندگی دارد. هرچند با توجه به تضعیف تصوف در سال‌های اخیر و رشد جریان‌های افراطی و همزمان رشد عقل‌گرایی مدرن میزان شرکت در مراسم مذهبی کمتر شده است و به نوعی مذهب عامل اصلی در بازشناسی فرد نیست ولی باز تأثیرگذاری خود را حفظ کرده است.

<p>به دلیل یکی نبودن مذهب حاکمیت و مذهب مردم استان کردستان، بازتولید امر مذهبی برای اهل تسنن بسیار کمرنگتر بوده و حتی در مواردی کمتر بدان پرداخته شده و بیشتر شکل فردی و حتی نوعی تقابلی به خود گرفته است. تنها استثنا در مذهب تسنن خصوصاً در کردستان تصوف و شیوخ قادریه و نقشبندیه بودند که در سالهای اخیر بدلیل حضورشان و تاثیرشان در میان نسل جوان کمرنگتر شده است.</p>	<p>نظر متخصص</p>
<p>مذهب بین قشر پایین مردم کردستان پررنگتر شده و مخصوصاً این امر را در مناطق حاشیه بیشتر شاهدیم. البته با توجه به تعدد خرده گروههای مذهبی در کردستان و تفاوت عقاید این خرده گروهها، حضور در بین این گروههای مذهبی می تواند در ارتباط با میزان و شدت تعلق، فرق داشته باشد.</p>	<p>نظر متخصص</p>

نتیجه گیری از وضعیت دو استان براساس نظرات متخصصین

استان سمنان: از نکات مهم در استان سمنان تعلقات مذهبی شدید مردمان این استان است. بر اساس گفته متخصصین وجود اماکن مذهبی نیز یکی از نکات برجسته و مهم در استان سمنان است که بر روی رفتارها و هنجارهای این مردمان تأثیر بسزایی داشته است. پایبندی به اعتقادات و مراسم مذهبی در این استان یکی از عوامل مهم در بین آنان است که یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در نگاه به زندگی و معنابخشی به زندگی در بین آنان بوده و شرکت در آن و احترام بدان نیز از خصیصه های مشترک و یک بعد هویتی و در عین حال عامل انسجام بخش در مردم سمنان می باشد. نیز به دلیل وجود نهاد روحانیت منسجم و نوعی اقتدار مذهبی و مشخص بودن ساختار و هرم روحانیت در مذهب تشیع، این مذهب می تواند مناسک گراتر از سایر مذاهب باشد. همچنین اعیاد مذهبی نیز برای آنان از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و شرکت در آن و احترام بدان از خصیصه های مردم سمنان می باشد. همچنین بر اساس نظرات متخصصین

وجود اماکن و ابنیه مذهبی نیز یکی از نکات برجسته و مهم در استان سمنان است که بر روی رفتارها و هنجارهای این مردمان تأثیر بسزایی داشته است.

استان کردستان: در ارتباط با کردستان نیز متخصصین معتقدند که از لحاظ مذهبی مردم کردستان اعتقادات دینی و مذهبی خاص خود را دارند. البته نوع مراسم مذهبی به دلیل سنی مذهب بودن آنان تفاوت‌هایی با مذهب تشیع دارد. همچنین تأثیر مذهب و باورهای مذهبی بر زندگی و امید به آینده بسیار زیاد است و نوعی قناعت پیشگی را نیز می‌توان از این طریق در دل مردم دید. در کردستان نیز تأثیرگذاری مذهب و باورهای مذهبی بر معنابخشی و نگرش به زندگی و امید به آینده زیاد است.

جمع‌بندی کلی: دین به عنوان یک فاکتور مهم در زندگی بشر یکی از عوامل اصلی تعیین کننده رفتار و باورهای افراد می‌باشد. بر اساس نظر دورکیم دین وحدت بخش است و باعث احساس قدرتمندی و تقویت قوا می‌شود. در واقع انسان مؤمن خود را قدرتمند می‌داند. همچنین دورکیم بر این باور است که دین عملکرد تسکینی در زمان‌های فشار را دارا می‌باشد و دین سبب احساس خوشبختی در مومنان می‌شود و با ناکامی مقابله می‌کند. و بر نیز به توجیه الهی خوشبختی و بدبختی توسط دین اشاره می‌کند. در این تحقیق و با توجه به مقوله استخراج شده در پژوهش، در مورد دینداری به دو مقوله فرعی دینداری مناسکی و دینداری اعتقادمحور رسیده‌ایم.

بر اساس نظر متخصصین حاضر در تحقیق، ساکنین هر دو استان کردستان و سمنان دارای باور دینی بالایی هستند. در استان سمنان میزان دینداری بسیار بالا و در کردستان در سطح متوسط رو به بالاست. بُعد مناسکی دینداری در میان مردمان سمنان بیشتر و بُعد اعتقادی دینداری در میان مردم کردستان پررنگ‌تر است. با توجه به نظر متخصصین، شهروندان هر دو استان مذهبی هستند و مذهب تأثیر زیادی بر روال تفکر، آینده نگری، نگاه به زندگی، نوع باورها، احساس سعادت و خوشبختی آن‌ها دارد. خاطر نشان باید کرد که مذهب مردم استان سمنان تشیع و استان کردستان تسنن است.

به دلیل وجود نهاد روحانیت منسجم و اقتدار مذهبی بیشتر نهاد روحانیت در مذهب تشیع و مشخص بودن ساختار و هرم روحانیت در مذهب تشیع، این مذهب می‌تواند بیشتر مناسک‌گرا و سنتی‌تر از مذهب تسنن باشد که ساختار سنتی روحانیت و نهاد خاص مذهبی روحانیتی همانند مذهب تشیع ندارد. در مجموع وضعیت دینداری بصورت مستقیم تأثیر زیادی بر وضعیت رفاه ذهنی و مولفه‌های آن همچون معنابخشی به زندگی، احساس سعادت، احساس خوشبختی و رضایت از زندگی داشته و بصورت غیرمستقیم نیز باعث افزایش هویت مشترک، مشارکت اجتماعی و حمایت اجتماعی شده که بر وضعیت رفاه ذهنی تأثیرگذار می‌باشند.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش مبنی بر چگونگی تأثیر وضعیت قومی و فرهنگ قومی بر وضعیت رفاه ذهنی در دو استان کردستان و سمنان؛ نتایج تحلیل تماتیک نشان داد که:

استان سمنان	نظرمتخصص	وجود تنوع در لباسهای محلی، موسیقی خاص و نیز آداب و رسوم محلی خاص در بین شهرها و نقاط مختلف استان باعث غنای عناصر فرهنگی و تنوع فرهنگی در استان سمنان شده است. به عنوان مثال در ارتباط با تنوع موسیقی محلی در استان می‌توان ذکر کرد که این موسیقی متأثر از مقامات و ملودی‌های مازندران، خراسان و اقوام مهاجر ترک است.
	نظرمتخصص	سمنانی‌ها از لحاظ هویت قومی چندان سعی در تعریف قومیت ندارند و به نظرم مذهب مهمتر است و قومیت تبدیل به دغدغه اصلی آنها نشده است. در واقع به نظر من حس اقلیتی وجود ندارد و قومیت تأثیر معنی‌داری بر رفتار آنها ندارد و رفاه ذهنی در میان آنها ربطی به قومیت ندارد.
	نظرمتخصص	کم رنگ بودن متغیر قومیت در سمنان، ناشی از نزدیک بودن مولفه‌های فرهنگی همچون زبان، آداب و رسوم فرهنگی مردم سمنان به مرکز کشور است. همچنین یکی از نکات مهم در مورد سمنان

<p>وجود تنوع قومیتی زیاد این استان است که این امر مانع از شکل‌گیری نوعی هویت قومی خاص شده است.</p>		
<p>نکته مهم وجود ساختار هویتی مشترک با حاکمیت است. در واقع سمنان دارای ساختار هویتی مشترک با حاکمیت، دارای برخورداری بیشتر اقتصادی و اجتماعی و امنیت بیشتر اقتصادی و فرهنگی بوده و این تفاوت در تعلق گروهی رفاه ذهنی تاثیر گذار است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>کردستان از لحاظ قومی یکدست بوده و نوع فرهنگ و تعلقات فرهنگی‌اش متفاوت از مرکز و سایر نقاط ایران است. همچنین اکثر شهرهای استان دارای ویژگی‌های محیطی و جغرافیای و اقتصادی مشابهی هستند.</p>	<p>نظر متخصص</p>	<p>استان کردستان</p>
<p>مردم کردستان از لحاظ فرهنگی و به دلیل تأثیر موسیقی فرهنگ شادتری را نسبت به مردم سایر نقاط ایران دارا می‌باشند. نیز حمایت نزدیکی و ارتباط با اقوام در بین کردها بالاست.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>در کردستان نوع فرهنگ و تعلقات فرهنگی متفاوت است و به نوعی خاص است. به همین سبب نوع آداب و رسوم و تأثیر سنن، هنر و موسیقی بر زندگی آنان متفاوت است. خصوصاً رسوم عروسی و شادی، عزاداری، نوع ارتباط با موسیقی و تأثیر آن بر زندگی‌شان بیشتر است و می‌توان همبستگی و تأثیر خانواده و خویشاوندان دور و نزدیک را در این زمینه دید.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>چون کردها در اقلیت هستند، باید بسیاری از مسائل آنها را در حوزه و گفتمان اقلیت بررسی کرد. در واقع مردم کرد دارای یک دیگری هستند که وجود این دیگری و نیز اقلیت بودن آنها بسترساز عواملی همچون انسجام اجتماعی بالا، کمک به همدیگر و حمایت اجتماعی است. همچنین علاقه به فرهنگ و عناصر فرهنگی خویش و تلاش در راستای پاسداشت آنها، اعتماد اجتماعی بالا و پیوستگی اجتماعی قوی از دیگر نقاط مثبت فرهنگی در بین مردم کرد است که در بستر همین گفتمان اقلیت شکل گرفته است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	

<p>در مورد وضعیت قومی و هویت قومی، فاکتور فرهنگ کردی، تأثیر مهمی در ساخت شادکامی و خوشبختی دارد و این می‌تواند باعث رشد رفاه ذهنی افراد شود. هرچه فرد از لحاظ هویتی و فرهنگی درهم‌تنیدگی بیشتری با فرهنگ سنتی خود داشته باشد، می‌تواند استدلال نمود که از لحاظ سطح رفاه ذهنی وضعیت بهتری خواهد داشت.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>یکی از ویژگی‌های استان کردستان که آن را متمایز می‌کند داشتن مرز مشترک با اقلیم کردستان عراق است. کردهای هر دو سوی مرز به دلیل زبان، فرهنگ، نژاد، مذهب و روابط خانوادگی و برخورداری از گذشته تاریخی مشترک دارای ارتباطات و تعلقات و تعاملات فرهنگی و اجتماعی زیادی با یکدیگر هستند. علاوه بر این عوامل، رونق اقتصادی اقلیم کردستان بعد از سال ۲۰۰۳ و مهاجرت و وابستگی اقتصادی و شغلی کردستان به اقلیم باعث تأثیر بیشتر و روابط بیشتری شده است. این تأثیر به حدی است که بیشتر اشتغال نیروی کار فصلی دیگر نه در تهران بلکه در سلیمانیه می‌باشد و بازارچه‌های مرزی نیز تأثیر زیادی بر وضعیت معیشت مردم داشته‌اند.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>آداب و رسوم و سنن قومی باعث ایجاد نوعی از الگوی‌های رفتاری خاص می‌شود. همانند جشن نوروز که قوی‌تر و مفصل‌تر از سایر نقاط ایران برگزار می‌شود. همچنین می‌توان به جشنواره‌ها و مراسم‌هایی اشاره کرد که مخصوص کردستان است: همچون جشنواره انار اورامان و مراسم پیرشالیار.</p>	<p>نظر متخصص</p>	

نتیجه‌گیری از وضعیت دو استان براساس نظرات متخصصین

استان سمنان: یکی از نکات مهم در مورد سمنان وجود تنوع قومیتی زیاد این استان است که متشکل از اقوام ترک، فارس، گیلک و... می‌باشد. در واقع تنوع قومی نوعی زیست و آداب و رسوم را به این استان بخشیده است که ما در آن شاهد

انواع لباس‌ها، مراسم‌ها و رفتارهای متفاوت با خرده‌فرهنگ‌های متفاوت هستیم. مردم سمنان از دید متخصصین دارای فرهنگ و هویت مشترک با ساختار حاکمیت می‌باشند و بر این باور بودند که محیط زیست، فرهنگ خشن و تأثیر بیشتر مذهب، میزان اهمیت قومیت و هویت قومی را در تأثیر بر شادکامی کم نموده است.

استان کردستان: مردمان کردستان از لحاظ قومی یکدست بوده و نوع فرهنگ و تعلقات فرهنگیشان متفاوت از مرکز و سایر نقاط ایران است. آداب و رسوم و سنن قومی باعث ایجاد نوعی از الگوی‌های رفتاری خاص می‌شود. وضعیت قومی و فرهنگ قومی برای مردم استان کردستان بسیار مهم بوده و بر حس همبستگی اجتماعی، احساس تعلق و در نهایت رفاه ذهنی آنان تأثیرگذار است. همچنین فاکتور فرهنگ کردی تأثیر مهمی در ساخت شادکامی و خوشبختی دارد و این می‌تواند باعث رشد رفاه ذهنی افراد شود. هرچه فرد از لحاظ هویتی و فرهنگی در هم‌تنیدگی بیشتری با فرهنگ سنتی خود داشته باشد، می‌توان استدلال نمود که از لحاظ سطح رفاه ذهنی وضعیت بهتری خواهند داشت. متخصصین کردستانی بر این باورند که به دلیل فرهنگ شاد، تأثیر موسیقی و همزمان اهمیت هویت قومی و بازتولید آن و تأثیر آن بر بازتعریف خود، می‌تواند عامل مهمی در تأثیر بر حس شادکامی و خوشبختی باشد.

جمع‌بندی کلی: قومیت به عنوان یک عامل مهم در تفاوت‌بخشی به گروه‌ها در کشورهای دارای ساختار چندقومی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در نوع رفتار و برداشت افراد از زندگی داشته باشد. در برخی کشورها تفاوت قومی می‌تواند عامل برتری در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد. در سمنان ما شاهد وجود تنوع قومیتی زیادی هستیم که این امر مانع از شکل‌گیری نوعی هویت قومی خاص و یکدست شده است. اما بیشتر مردم کردستان کرد هستند و نوع فرهنگ و تعلقات فرهنگی‌شان متفاوت از مرکز و سایر نقاط ایران است. مولفه‌های فرهنگی مردم سمنان به مرکز کشور نزدیک می‌باشد درحالی که مولفه‌های فرهنگی کردستان به نوعی خاص آن مناطق است. همچنین همان‌گونه که ذکر شد علاقه به فرهنگ و عناصر فرهنگی

خویش و تلاش در راستای پاسداشت آنها، اعتماد اجتماعی بالا و پیوستگی اجتماعی قوی از دیگر نقاط مثبت فرهنگی در بین مردم کرد است که در بستر گفتمان اقلیت شکل گرفته است. این احساس تعلق قومی بالا، وجود هویت مشترک قوی و وجود گفتمان اقلیت عواملی مهم بر بالا بردن وضعیت رفاه ذهنی است که در کردستان شدت بیشتری از آن را شاهد هستیم. در واقع می‌توان ادعا نمود که برای کردها قومیت مهم‌تر از مذهب (حداقل در زمینه تأثیر بر احساس رفاه ذهنی) می‌باشد.

فوکویاما (۲۰۱۸) بر این باور است که مبارزه امروزی ما در مورد نژاد جنسیت، مسائل جنسی و ... بیشتر به دلیل عدم احترام و غرور پامال شده است تا منابع مادی. عباس ولی نیز هویت کردی را بر اساس فرهنگ، زبان و رسومات و ... نوعی هویت واکنشی می‌داند. در واقع می‌توان به اهمیت فاکتور فرهنگ، قومیت و هویت کردی در میان کردها برای بازتعریف خود اشاره کرد. بازتعریف هویت واکنشی و تقابلی بر مبنای قومیت سبب شده است که بخشی از منش کردها بر اساس هویت قابل تعریف باشد و مهمترین عامل شناخت و معرفی خود، در میان آنان شده است. همچنین هویت مقاومت و واکنشی باعث می‌شود افراد نسبت به جامعه و اطرافیان خود، موفقیت را بسنجند. در واقع شادی، پیشرفت و خوشبختی برای جمع است که احساس شادی، پیشرفت و خوشبختی افراد درون این جامعه را افزایش می‌دهد. در کل می‌توان بیان کرد که قومیت می‌تواند فاکتور مهمی در مطالعات رفاه (خصوصاً در میان اقلیت‌های قومی) باشد. برای کردها بازتولید معنا و تولید خود در قالب هویت قومی و قومیت امکان‌پذیر شده است. البته تأثیر این عامل می‌تواند با ابعاد عاطفی و رضایت از خود و حس شادکامی افراد مرتبط باشد. این تأثیر هویت قومی برای کارشناسان عامل مهمی بوده و اکثریت افراد اهمیت آن را مهم دانسته‌اند.

در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش که به چگونگی تأثیر احساس عدالت (احساس تبعیض) بر وضعیت رفاه ذهنی در دو استان توجه داشت، نتایج تحلیل تماتیک نشان داد که:

استان سمنان	نظر متخصص	نکته مهم در مورد سمنان این است که دو رئیس جمهور اخیر ایران از این استان بوده‌اند و دست‌یابی به رده‌های بالای حکومتی و شغلی برای سمنانی‌ها وجود دارد و مردم این استان در مورد حس تبعیض به نسبت سایر استان‌ها احساس ناعدالتی کمتری دارند.
	نظر متخصص	در بُعد امنیت اقتصادی و امید به آینده مردم سمنان وضعیت بسیار بهتری نسبت به بیشتر نقاط ایران دارند. نوع مؤسسات آموزشی و بهداشتی و رفاهی در سمنان به نسبت سایر نقاط ایران بسیار بهتر است و به دلیل نزدیکی مکانی، فرهنگی و مذهبی به پایتخت کشور، از موقعیت بهتری برخوردارند.
	نظر متخصص	با وجود برخورداری مردم استان سمنان از امکانات رفاهی و مادی اما به نسبت میزان انتظارات و توقعات در بین آنان زیاد است و شاید در بعضی موارد احساس ناعدالتی بیشتر از جاهای دیگر باشد چون انتظارات بالاست؛ خصوصاً زمانی که خود را با تهران مقایسه می‌نمایند.
	نظر متخصص	سمنانی‌ها سهم زیادی از قدرت در حکومت مرکزی و بدنه اصلی حکومت دارند و امکان حرکت عمودی زیادی در هرم قدرت سیاسی و اقتصادی دارند.
	نظر متخصص	در بین سمنانی‌ها انتظارات از حکومت و دولت بالاست و همین بالا بودن انتظارات باعث شده به نوعی بر رفتار و نوع زندگی مردم تأثیر می‌گذارد.
	نظر متخصص	نسبت کمی از تحصیل‌کردگان بیکارند و افراد تحصیل کرده می‌توانند به راحتی و بدون تبعیض در همه پست‌ها فعالیت نمایند. هر چند این امر در سالهای اخیر تا حد چشمگیری کاهش یافته است.
	نظر متخصص	از لحاظ سیاسی مردم استان سمنان بسیار خود را در جایگاه بزرگی و بالایی در مدیریت کلان و سیاسی کشور تعریف می‌نمایند و بر این باورند که بزرگترین سیاسیون کشور متعلق به این استان هستند.
	نظر متخصص	استان سمنان به دلیل نزدیکی با مرکز و پایتخت و به نوعی داشتن

<p>مدیران و سیاسیون قدرتمند در دایره قدرت در ایران، از وضعیت اقتصادی و رفاهی خوبی برخوردار است و این برخورداری و احساس تعلق و در کنار آن حس مهم بودن سبب می‌شود از لحاظ روانی و اجتماعی مردم استان جایگاه خوبی داشته باشند.</p>		
<p>فقر اقتصادی باعث نوعی ناامیدی و سرخوردگی در مردم شده است و شکاف‌های طبقاتی را تا حدودی گسترش داده است. هر چند در سال‌های اخیر، مرز پدیده مهمی در اقتصاد استان کردستان بوده است. مرز می‌تواند عامل مهمی در اشتغال و کاهش بیکاری بوده و در حد کمی فشارهای اقتصادی و بیکاری را حداقل برای مرز نشینان کم نماید، اما این مهم در سال‌های اخیر دچار مشکل شده و فقر دوباره به دامان مرز نشینان برگشته است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	<p>استان کردستان</p>
<p>تفاوت در سطح درآمد، توسعه و رفاه عینی در استان کردستان با سایر نقاط کشور با احساس بی‌عدالتی قومی و فرهنگی ترکیب شده است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>احساس تبعیض به نوعی در ذهنیت همه مردمان کردستان وجود دارد و همیشه می‌توان آن را دید.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>امکان دستیابی افرادی از قومیت کرد به مقام‌های مدیریتی بالا در سطح استان و نیز در ارتقاء در مدیریت‌های کلان کشوری به نسبت سمنانی‌ها بسیار پایین‌تر است و به نوعی می‌توان گفت که در دایره قدرت جایگاه چندانی ندارند.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>در سال‌های اخیر با توجه به روند ناکامی در دستیابی به شغل خصوصاً در میان قشر تحصیل کرده و ایجاد نوعی سرخوردگی، تحصیلات دانشگاهی تبدیل به نوعی ناکامی مضاعف برای آنان شده است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	
<p>برای مردم کرد امکان شرکت در نشست‌های سیاسی مرتبط با قومیت خویش یا ارائه نظر مخالف در ارتباط با مسائل قومیتی خود بدون استرس سخت و در پاره‌ای مواقع غیرممکن است.</p>	<p>نظر متخصص</p>	

<p>گسترش آموزش عامل رشد تحصیلات آکادمیک بوده است و به دلیل نبود فضای کار و اشتغال، استفاده بیشتر از نیرو غیربومی، تبعیض و نبود فضاهای صنعتی؛ بیشتر جوانان تحصیل کرده مجبور به کارهایی همانند کشاورزی، کولبری، کارگری ساختمان و مسافرکشی شده‌اند و این عدم به نتیجه رسیدن تحصیلات نوعی احساس سرخوردگی را ایجاد نموده است. در واقع تحصیلات به دلیل منتج نشدن به کسب شغل در کردستان تأثیر زیادی بر ایجاد حس سرخوردگی دارد و باعث پایین آمدن سطح رفاه عینی قشر تحصیل کرده می‌شود.</p>	<p>نظر متخصص</p>
<p>مردم کردستان از لحاظ اقتصادی در مضیقه هستند اما آنچه که در برابر این مسئله می‌تواند مثبت باشد این است که نابرابری در درون استان زیاد نیست، که می‌تواند تبعات نابرابری کشوری ایجاد شده را تا حدی کنترل کند. مصرف‌گرایی نیز نسبت به سایر مناطق ایران بسیار برجسته نیست..</p>	<p>نظر متخصص</p>

نتیجه‌گیری از وضعیت دو استان براساس نظرات متخصصین

استان سمنان: استان سمنان یکی از استان‌های توسعه یافته کشور است و از لحاظ برخورداری از امکانات، استانی توسعه یافته می‌باشد. یکی از نکات مهمی که متخصصین بدان باور دارند اولویت دادن به تحصیلات و سختکوشی در این زمینه است و این خود تبدیل به عامل موفقیت این مردم شده است. همچنین توانایی ارتقاء در مدیریت‌های کلان کشوری یکی از عواملی است که کیفیت زندگی اجتماعی مردم سمنان را ارتقاء داده است.

استان کردستان: از لحاظ اقتصادی استان کردستان از فقر اقتصادی و بیکاری همه‌گیر رنج می‌برد. فقر اقتصادی تأثیر زیادی بر حس امید به آینده و احساس تعلق و غیرخودی بودن آن‌ها با مرکز گذاشته است. بیشتر متخصصین بر این باورند که احساس بی‌عدالتی در بین مردم کردستان به نوعی نهادینه شده است. متخصصین این استان حس

ناعدالتی را مؤثر بر میزان برخورداری از درآمد و دسترسی به امکانات می‌دانند اما بر این باورند که عامل تعیین کننده‌ای در زمینه رفاه ذهنی و شادکامی نمی‌باشد.

جمع‌بندی کلی: با توجه به داده‌های مرکز آمار ایران و سایر داده‌های کمی قبل و بعد از انقلاب، استان کردستان از مناطق کمتر توسعه یافته ایران بوده است. بر اساس داده‌ها از سال ۱۳۶۵ به بعد استان کردستان با توجه به شاخص‌های توسعه (بهداشتی - درمانی، فرهنگی - آموزشی، اقتصادی، ورزشی و زیربنایی و مسکن) در رده‌های آخر و همیشه جزو ۳ استان کمتر توسعه یافته ایران قرار گرفته است. در کنار استان کردستان استان سمنان با توجه به همین شاخص‌ها در کنار تهران طی سال‌های گذشته و خصوصاً بعد از انقلاب جزو دو استان اول توسعه یافته ایران بوده است

احساس عدالت تنها بحث هویتی نیست بلکه می‌تواند بحث فردی و دوری و نزدیکی به مرکز نیز باشد. به همین دلیل شناخت اهمیت آن و تاثیرش بر رفاه ذهنی می‌تواند عامل تاثیرگذاری باشد. برخورداری از احساس عدالت و نیز برخورداری از امکانات رفاهی، نوعی اشتغال همه‌گیر و داشتن شغل برای اکثر مردم، در کنار سطح درآمد مناسب از نکاتی است که متخصصین بدان اشاره کرده‌اند. به نظر متخصصین تحقیق، احساس ناعدالتی و تبعیض (در هر دو زمینه اقتصادی و سیاسی) در کردستان بیشتر از سمنان است. در هرم قدرت و مدیریت کلان و حتی استانی تبعیض زیادی وجود دارد و این سبب نوعی ناامیدی و دلواپسی نسبت به آینده می‌باشد. تحصیل کردگان کردستانی نیز در عدم دستیابی به جایگاه اجتماعی و اقتصادی خود دچار ناکامی می‌شوند و همین دغدغه و اعمال آن در واقعیت باعث می‌شود که شایسته‌سالاری با تبعیض مواجه شود و حتی بیشتر تحصیل کردگان به آنچه حقش را دارند حتی در سطح استان نیز دست نیابند.

در پاسخ به سؤال پنجم پژوهش مبنی بر چگونگی تأثیر محیط جغرافیایی و فضای اجتماعی بر وضعیت رفاه ذهنی در دو استان کردستان و سمنان؛ نتایج تحلیل تماتیک نشان داد که:

<p>استان سمنان</p>	<p>نظرمتخصص</p>	<p>از نکات مهم درباره بعضی از شهرهای استان سمنان خصیصه و رفتار اجتماعی است که آن را به خصیصه کویری بودن مردمان این مناطق ربط می‌دهند؛ که نوعی روحیه منفعت‌گرایانه و محتاطانه از لحاظ مالی است. خصیصه‌ای که آنان را به مردمانی (تا حدودی) فردگرا تبدیل کرده است و همیشه این ضرب‌المثل در بین آنان که "چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است" شنیده می‌شود.</p>
	<p>نظرمتخصص</p>	<p>مردم ساکن در نقاط کویر به طور کلی زندگی را در سخت کوشی، ساده زیستی و قناعت و همچنین مهربانی و مهمان‌نوازی خلاصه می‌کنند.</p>
	<p>نظر متخصص</p>	<p>به دلیل وجود نقاط آب و هوایی مختلف، شرایط متفاوت زندگی و به تبع روابط و مناسبات اجتماعی مختلفی را شاهد هستیم. به عنوان مثال در شاهرود آب و هوای کوهستانی و جنگلی، در شهر سمنان خشک و کویری، در مهدیشهر سرد و کوهستانی و گرمسار کوهپایه‌ای و دشت‌های دلتایی، سبب شده که مردم زندگی و سبک‌های مختلفی داشته باشند.</p>
	<p>نظر متخصص</p>	<p>تنوع جغرافیایی در سمنان شاید یکی از دلایل تفاوت در اخلاق و رفتار هم شده باشد. به عنوان نمونه شهر دامغان با توجه به وضعیت جغرافیایی و توریستی خاصی که دارد به نوعی مردمان برخوردارتری نسبت به سایر مناطق استان دارد و درهم‌تنیدگی با تاریخ، طبیعت و تعامل بیشتر با افراد مختلف بر روحیه و زمینه ذهنی آنان تاثیرگذار بوده است.</p>
	<p>نظر متخصص</p>	<p>در سمنان با توجه به تحولات اخیر نوعی فردگرایی رشد پیدا کرده که لازمه آن این است که بیشتر موفقیت فردی مهم باشد و همین امر باعث شده که تأثیر خانواده و اقوام کم شود و فقط اعضاء درجه یک خانواده و نزدیکان درجه یک، نقش مهمی در زندگی فرد و چتر حمایتی برای او را دارند. برای سمنانی‌ها حمایت گروهی، قومی یا مذهبی بسیار پررنگی وجود ندارد و نمی‌توان آن را مهم دانست.</p>
	<p>نظر متخصص</p>	<p>میزان رفاه ذهنی افراد در زمان‌های بحران به خطر می‌افتد چون بجز خانواده نمی‌توان گروه‌های دیگری را به عنوان حامی فرد شناسایی نمود.</p>
	<p>نظر متخصص</p>	<p>در سمنان خانواده عامل مهمی است و دیگر گروه حامی برای فرد چندان معنی ندارد.</p>

<p>در زمینه محیط طبیعی در کردستان برخورداری از طبیعت چهار فصل و نیز محیطی کوهستانی باعث برخورداری از نوعی تفریح و اوقات فراغت شده است که طبیعت را به عامل مهمی در کاهش تنش‌ها و با هم بودن خانواده تبدیل نموده است.</p>	<p>نظرمتمخصص</p>	<p>استان کردستان</p>
<p>فضای سنتی، ارتباط خانوادگی و گروهی قوی و همزمان احساس تعلق به یک گروه قومی خاص توانسته عامل مهمی در انسجام اجتماعی و ارتقاء رفاه ذهنی افراد در زمینه برخورداری از حمایت اجتماعی و ایجاد نوعی حس اطمینان و حتی کمک باشد. در واقع در بین کردها نوع حمایت اجتماعی فراتر از خانواده وجود دارد و حس تعلق به یک گروه خاص آن را نیز تقویت می‌کند.</p>	<p>نظرمتمخصص</p>	
<p>در کردستان ساختار سنتی خانواده و حتی اهمیت خویشاوندان بسیار برجسته است و تعامل دائمی بین افراد در این جا بسیار بیشتر است و خویشاوندان نیز خود یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار بر انسجام اجتماعی، ایجاد حس تعلق و نوعی کمک در زمان‌های بحران هستند. مثلاً شما برای یک عروسی مشاهده می‌کنید که در بسیاری از نقاط خویشاوندان داماد و عروس مبالغ زیادی را برای کمک به آنها با نام‌های مختلفی جمع می‌کنند و سرمایه اقتصادی را در اختیار داماد قرار می‌هند و یا ارتباطات خانوادگی سبب می‌شود فرد دچار حس جداافتادگی نشود و در مواقع بحران می‌تواند بر حمایت خانواده، دوستان و خویشاوندان تکیه کند. حتی در صورت مهاجرت به سایر نقاط کشور و در شهرهای دیگر، این حمایت قوی‌تر شده و جنبه قومی پیدا می‌کند.</p>	<p>نظرمتمخصص</p>	
<p>با توجه به تغییر ارزش‌ها و مناسبات و سبک زندگی میان نسل‌ها، در کردستان نیز شاهد شکاف نسلی زیاد و به تبعیت از آن تغییر در روابط اجتماعی، مناسبات اجتماعی و حتی در حمایت‌های اجتماعی نیز هستیم و این امر به نسبت گذشته در حال کم رنگ شدن و رو به افول است.</p>	<p>نظرمتمخصص</p>	

<p>به دلیل نزدیکی بیشتری که در محیط‌های کوچکتر وجود دارد اطلاع یافتن از وضعیت زندگی افراد راحت‌تر است و حریم خصوصی چندانی رعایت نمی‌شود و محدودیت‌ها بیشتر و دخالت در زندگی یکدیگر به وفور اتفاق می‌افتد.</p>	<p>نظر متخصص</p>
<p>روحیه کار جمعی در میان مردم کرد پایین است. همچنین چون منافع جمعی و بلندمدت در بین مردم کرد ایجاد نشده، مردمان کردستان بیشتر در فکر برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت هستند و این جمله برایشان مصداق دارد "تا هفته آینده خدا بزرگه".</p>	<p>نظر متخصص</p>
<p>از لحاظ اجتماعی نیز وضعیت زنان وضعیت متفاوتی از یک جامعه سنتی را دارد و آن هم به دلیل وضعیت فرهنگی و مذهبی استان و فرهنگ غالب کردها است که تا حدود زیادی سبب ارتقاء سطح و جایگاه زنان در اجتماع شده است.</p>	<p>نظر متخصص</p>
<p>نکته مثبت در مورد فرهنگ مردم کردستان فرهنگ شادی آنهاست و احترام و تلاشی که برای دستیابی به آن انجام می‌دهند. آن‌ها شادی را منوط به مسائل مختلف از جمله مسائل مالی نمی‌کنند. مردم کرد خیلی در قید و بند مادی‌گرایی نیستند. به عنوان مثال خیلی راحت دوره‌های خانوادگی را با کمترین امکانات برگزار می‌کنند. هر چند این پیوندهای خانوادگی عمیق در پاره‌ای از اوقات نیز مانع پیشرفت فرزندان خانواده و مانع از ایجاد استقلال واقعی در آنها می‌شود، چرا که فرزندان نسبت به پدر مادر خود احساس دین کرده و نمی‌توانند برای تحقق رویاهای خود در جایی غیر از شهر خود و دور از خانواده باشند.</p>	<p>نظر متخصص</p>
<p>تنوع مراسم و فرهنگ شاد با توجه به مشارکت همگانی در مراسم شادی و نوعی تسلط موسیقی بر زندگی مردم نوعی گذرگاه برای تخلیه روانی مردم می‌باشد. طبیعت و استفاده از آن نیز عامل مهمی در ایجاد حس شادی و گذران اوقات فراغت سالم می‌باشد.</p>	<p>نظر متخصص</p>

نتیجه‌گیری از وضعیت دو استان براساس نظرات متخصصین

استان سمنان: متخصصین بر خصایص رفتاری مثبت زندگی کویری تاکید می‌کنند سختکوشی، ساده زیستی، قناعت، مهربانی و مهمان‌نوازی از جمله این خصایص است. در کنار این‌ها یکی از نکات مهم در هر اجتماع روابط خانوادگی، حمایت‌های خانوادگی و در سطحی گسترده‌تر روابط اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی افراد درون جامعه است. به نظر متخصصین ارتباطات عمومی در بین مردم ساکن در نقاط کویری بسیار پایین است و نوعی بسته شدن دایره شادی به جمع دوستان و آشنایان در بین آنان وجود دارد. هرچند متخصصین این امر را ناشی از تسلط نوع زندگی مرتبط با شرایط زیست محیطی کویری می‌دانند. در مجموع در استان سمنان به دلیل وجود نقاط آب و هوایی مختلف شرایط متفاوت زندگی و به تبع روابط و مناسبات اجتماعی مختلفی را شاهد هستیم.

استان کردستان: در کردستان طبیعت و برخورداری از آن تأثیر زیادی بر روحیه مردم کرد دارد و این باعث تنوع شادی‌ها و شکل‌گیری اوقات فراغت با دوستان و خانواده در دل کوه‌ها و مناظر طبیعی می‌شود که به زندگی آنان نوعی حس شادزیستن در طبیعت را اهدا می‌نماید و در مجموع سبب ارتقاء وضعیت و نمره رفاه ذهنی افراد جامعه می‌شود. مردم کردستان کمتر فردگرا بوده و بیشتر جمع‌گرا می‌باشند و این امر در مراسمی چون عزا و شادی و تقسیم فشار و نیز تقویت روانی و مالی ناشی از این مراسم بسیار برجسته است و مختص به دایره نزدیکان درجه یک نمی‌باشد. میزان حمایت خانوادگی، همبستگی قومی و گروهی و روابط خانوادگی و برخورداری از یک سرمایه اجتماعی در بین کردها و ساکنان استان کردستان به نسبت سایر نقاط ایران بالاست. حمایت خانوادگی و ارتباطات نزدیک و حمایت گروهی تأثیر زیادی بر میزان رفاه ذهنی در بین افراد دارد.

جمع‌بندی کلی: در کل می‌توان گفت خانواده، گروه‌های دوستان و خویشاوندان و همزمان گروه قومی عامل مهمی در انسجام اجتماعی و ارتباطات اجتماعی و حمایت اجتماعی می‌باشند و می‌توان مشاهده نمود که میزان حمایت اجتماعی در بین کردها بیشتر است. حمایت خانوادگی همزمان می‌تواند یک سرمایه اجتماعی و اقتصادی بیافریند و این خود بر شادکامی تاثیرگذار است که در بین کردها میزان انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی و نوعی سرمایه اجتماعی درون گروهی بیشتر از ساکنان سمنان می‌باشد که تنها بر خانواده و نزدیکان افراد تاثیرگذار هستند. از لحاظ شرایط جغرافیایی و محیط طبیعی استان سمنان دارای شرایط جغرافیایی و هوایی یکسانی نیست و برخی از نقاط این استان مانند سمنان، سرخه و گرمسار دارای آب و هوای کویری و یا خشک می‌باشند و بعضی از شهرها مانند دامغان و شاهرود دارای آب و هوای معتدل و محیط کوهستانی می‌باشند که این امر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی را برای نقاط مختلف رقم زده است.

با وجود اینکه بیان شد مردم ساکن در نقاط کویری به طور کلی زندگی را در سختکوشی، ساده زیستی و قناعت و همچنین مهربانی خلاصه می‌کنند اما ارتباطات عمومی در بین مردم بسیار پایین است و نوعی بسته شدن دایره شادی به جمع دوستان و آشنایان در بین آنان وجود دارد. امری که در شهرستان‌های غیرکویری استان سمنان و در کردستان به نوعی دیگر شرایط فکری، روحی و اجتماعی مردم را رقم زده است. در کردستان، طبیعت و برخورداری از آن تأثیر زیادی بر روحیه مردم کرد دارد و این باعث تنوع شادی‌ها و شکل‌گیری اوقات فراغتی با دوستان و خانواده در دل کوه‌ها و مناظر طبیعی می‌شود که به زندگی آنان نوعی حس شادزیستن در طبیعت را اهدا می‌نماید و در مجموع سبب ارتقاء وضعیت رفاه ذهنی افراد جامعه می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دو استان انتخاب شده برای بررسی و مقایسه وضعیت رفاه ذهنی، از لحاظ عواملی همچون سطح توسعه یافتگی، وضعیت قومی، مذهب و جغرافیا متفاوت بوده و این عوامل می‌توانند نقش مهمی در شکل‌دهی به میزان رفاه ذهنی افراد داشته باشند. با وجود سطح بالای رفاه عینی در استان سمنان، انتظار بر این بود که سطح رفاه ذهنی در استان سمنان در سطح بالایی بوده و برای استان کردستان به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی و عدم توسعه متوازن، شاهد سطح رفاه ذهنی پایینی باشیم، اما تحلیل نظرات متخصصین نشان می‌دهد که رفاه ذهنی و مولفه‌های آن در استان سمنان همچون رفاه عینی موجود استان در سطح بالایی قرار ندارد و در سطحی کمی پایین‌تر از متوسط می‌باشد و در استان کردستان، برخلاف سطح بسیار پایین رفاه عینی، رفاه ذهنی نسبت خوبی را دارا بوده و در سطح متوسطی است. مقایسه درون‌استانی نیز نشان می‌دهد که در درون خود استان سمنان نیز شاهد تفاوت‌هایی در میزان رفاه ذهنی هستیم و تفاوت زیادی بین شهرهای استان از لحاظ رفاه ذهنی وجود دارد که این امر می‌تواند به دلیل تنوع قومی، فرهنگی و شرایط متنوع و متفاوت محیطی و جغرافیایی در درون استان باشد.

در استان کردستان اما با وجود اینکه سطح رفاه عینی نقاط شهری بیشتر از روستاییان می‌باشد اما بین سطح رفاه ذهنی شهر و روستا تفاوت زیادی وجود ندارد. همچنین بین شهرها و نقاط مختلف استان نیز تفاوت محسوسی از لحاظ رفاه ذهنی را شاهد نیستیم. از دلایل اصلی این امر می‌توان به یکدست بودن وضعیت قومی و فرهنگی، شرایط جغرافیایی و محیطی، فضای اجتماعی و مذهب یکسان مردمان این استان اشاره کرد. در مجموع، میزان رفاه ذهنی دو استان در وضعیت مناسبی نبوده و این می‌تواند ناشی از تأثیرات واقعیت اقتصادی- اجتماعی موجود باشد. واقعیت‌های اقتصادی و اتفاقات اجتماعی سال‌های اخیر نوعی فضای ناامیدی اجتماعی را سبب شده

است و بر میزان رفاه ذهنی تاثیرگذار بوده است. مینکو نیز رتبه ایران از نظر رفاه ذهنی در بین سالهای ۲۰۰۷-۱۹۹۷ در بین ۹۷ کشور را در رده ۵۶ و در سطح پایین تر از متوسط نشان داده است (Minkov, 2009: 163). همچنین از نظر متخصصین هر چند بخشی از نمره رفاه ذهنی به رفاه عینی برمی گردد اما رفاه عینی به تنهایی تبیین کننده وضعیت رفاه ذهنی نبوده و عوامل دیگری میزان رفاه ذهنی را تعدیل می نمایند.

بر اساس نتایج، دین مضمون مهم و موثری بر میزان رفاه ذهنی و سعادت افراد می باشد و این مضمون در بین ساکنان استان سمنان اهمیت بیشتری را داراست. در واقع میزان دینداری در استان سمنان بسیار بالا و در کردستان در سطح متوسط رو به بالاست و در هر دو استان بخصوص استان سمنان دین و میزان دینداری نقش بالایی در میزان رفاه ذهنی دارد. این رابطه با نظریات دورکیم و وبر منطبق است. همچنین تحقیقات هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۹۰)، نیلی و بابازاده خراسانی (۱۳۹۱) و محبوبی (۱۳۹۳) ارتباط میان دینداری و رفاه ذهنی را تأیید کرده اند.

وضعیت قومی نیز یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی تحقیق بوده است. بر اساس یافته های تحقیق وضعیت قومی و فرهنگ قومی برای مردم استان کردستان بسیار مهم تر است و بر حس همبستگی اجتماعی، احساس تعلق و در نهایت رفاه ذهنی آنان تاثیرگذار است. مضمون تأثیر محیط و فضای اجتماعی نیز به دلیل ساختار سنتی، اهمیت ساختارهای خانوادگی، خویشاوندی و قومی، تنوع مراسم و فرهنگ شادی و مشارکت همگانی در این مراسم و تسلط موسیقی بر زندگی مردم به عنوان گذرگاهی برای تخلیه روانی؛ می توانند بر میزان رفاه ذهنی تاثیرگذار باشند؛ که اهمیت و تاثیرگذاری آن در بین کردها بیشتر است. به عنوان مثال، حمایت خانوادگی همزمان می تواند یک سرمایه اجتماعی و اقتصادی بیافریند و این خود بر رفاه ذهنی تاثیرگذار است. در این رابطه تحقیقات نیلی و بابازاده خراسانی (۱۳۹۱) و بارگاهی (۱۳۹۲) به ترتیب تأثیر عواملی همچون روابط خانوادگی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی بر رفاه ذهنی را تأیید کرده اند.

مؤلفه‌های فرهنگی مردم سمنان به مرکز کشور نزدیک می‌باشد درحالی که مؤلفه‌های فرهنگی کردستان به نوعی خاص آن مناطق است. همچنین در سمنان ما شاهد وجود تنوع قومیتی زیادی هستیم که این امر مانع از شکل‌گیری نوعی هویت قومی خاص و یکدست شده است. اما بیشتر مردم کردستان کرد هستند و نوع فرهنگ و تعلقات فرهنگیشان متفاوت از مرکز و سایر نقاط ایران است. در واقع سمنان دارای ساختار هویتی مشترک با حاکمیت، برخورداری بیشتر اجتماعی و امنیت اقتصادی و فرهنگی بیشتری است. برای گروه‌های اکثریت و دارای امنیت اقتصادی بالاتر، فرهنگ غالب، دین غالب، زبان غالب، احساس آزادی، برخورداری از قدرت و دغدغه‌های فرهنگی هویتی، اموری بدیهی و غیر مهم هستند (به دلیل تأمین و نمایندگی آن‌ها توسط ساختار دولت) و در زندگی آنان نمی‌تواند نقش اساسی در تعیین نوع واکنش و رفاه ذهنی و سعادت داشته باشد و سعادت در امور متفاوت دیگری که بدان دست نیافته‌اند جستجو می‌شود نه امور بدیهی و تأمین شده. در مقابل برای یک کرد احساس خوشبختی می‌تواند معنایی چون تدریس زبان مادری، اهمیت داده شدن به فرهنگ کردی و توجه به هویت قومی آنان باشد؛ به این دلیل که این هویت، فرهنگ و احساس آزادی آنها مدام سرکوب شده و تأمین این فاکتورها می‌تواند نقش اساسی و مهمی در احساس موفقیت، خوشبختی جمعی و رفاه ذهنی آنها داشته باشد. هویت قومی در کردستان نوعی هویت مقاومت را ایجاد نموده که سبب اهمیت هویت و فرهنگ کردی می‌شود و در تقابل با هویت مرکز اهمیت زیادی پیدا می‌کند.

نظریات مختلف نشان می‌دهند که هرچه سطح توسعه‌یافتگی بیشتر باشد میزان هویت قومی نیز کم‌رنگتر می‌گردد. نظریات آمارتیاسن در ارتباط با توسعه و نظریه استعمار داخلی در ارتباط با شکل‌گیری همبستگی قومی در مقابل گروه اکثریت حاکم نشان می‌دهد که این امر نوعی احساس تبعیض و رویکرد واکنشی را با توجه به برجسته نمودن هویت قومی و یا مذهبی به ارمغان می‌آورد. در واقع برجستگی هویت قومی نوعی بازساخت هویت واکنشی است. در مورد اهمیت الگوی هویت و اهمیت

هویت قومی و تأثیر آن بر زندگی و نوع تفکر انسان، فرانسس فوکویاما نیز در کتاب جدید خود بر این باور است که هویت عامل مهمی است. وی می‌گوید ما پتانسیل‌هایی داریم که دیگران آن را بی‌ارزش به حساب می‌آورند و باعث احساس خشم و حس نادیده گرفتن می‌شود (به نوعی به مفهوم محرومیت قابلیت آماریاسن نزدیک است). وی بر این باور است که مبارزه هویتی امروزی ما در مورد نژاد، جنسیت و سایر مسائل دیگر به دلیل عدم احترام و حقوق پایمال شده ما می‌باشد تا منابع مادی (فوکویاما، ۲۰۱۸) نظریات ارائه شده در ارتباط با وضعیت قومی نیز می‌تواند تا حدودی تبیین‌کننده وضعیت احساس عدالت باشد.

بر اساس نتایج، هر دو گروه احساس تبعیض را تجربه می‌کنند؛ کردها بیشتر تبعیض قومی و گروهی را تجربه می‌نمایند و ساکنین استان سمنان در سطح فردی و دستیابی به موقعیت‌های بالاتر این احساس را تجربه نموده‌اند. احساس ناعدالتی (در هر دو زمینه اقتصادی و سیاسی) در کردستان بیشتر از سمنان است. تفاوت در سطح توسعه و رفاه عینی با احساس بی‌عدالتی قومی و فرهنگی ترکیب شده است و این احساس بی‌عدالتی در بین مردم کردستان نهادینه شده است. هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۹۰) نیز در تحقیق خود بر وجود رابطه و تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر احساس رفاه اجتماعی و وضعیت رفاه ذهنی صحه گذاشته‌اند. محقق کمال نیز میزان ناعدالتی را در بین اقلیت‌های قومی بیشتر از گروه حاکم می‌داند و تبعیض را برجسته نموده است (محقق کمال، ۲۰۱۵: ۲۷۱).

شایان ذکر است با وجود سطح بالای رفاه عینی در سمنان میزان انتظارات و توقعات در بین آنان بیشتر است و این تفاوت اصلی سمنان با کردستان است و به این دلیل در برخی مولفه‌ها، احساس ناعدالتی در سمنان بیشتر از کردستان است. در مجموع می‌توان ذکر کرد که احساس تبعیض برای هر دو گروه وجود دارد اما با این تفاوت که

در بین سمنانی‌ها احساس تبعیض بیشتر جنبه پیشرفت اجتماعی و ترقی در سلسله مراتب قدرت است و برای کردستانی‌ها حس تبعیض قومی و گروهی وجود دارد و کمتر جنبه فردی به خود گرفته است. در این رابطه اینگلههارت بر این باور است که: در جوامع شرقی نمی‌توان انتظار داشت که با بالارفتن میزان امنیت اقتصادی، رضایت افراد بیشتر شود. در مورد استان سمنان نیز این امر می‌تواند صادق باشد؛ زیرا میزان احساس رضایت از زندگی و رفاه ذهنی در بین کردستانی‌ها بیشتر از سمنانی‌ها می‌باشد.

پیشنهادها

- ارائه امکانات زیرساختی توسعه‌ای بیشتر و ایجاد اشتغال و رسیدگی به وضعیت رفاه عینی مخصوصاً برای استان کردستان. توجه به معیشت و زندگی و دغدغه‌های اشتغال افراد ساکن این استان می‌تواند سبب کم‌رنگتر شدن فقر و بیکاری شود. همزمان ارائه خدمات و امکانات برای مردم منطقه مخصوصاً قشر تحصیل کرده (با دربر گرفتن رویکرد تبعیض مضاعف) میزان رفاه عینی را افزایش خواهد داد، بی‌شک این امر منجر به کم‌رنگتر شدن احساس تبعیض و نابرابری نیز خواهد شد.

- در استان سمنان دین دارای اهمیت بالایی است و توجه به اهمیت این عامل می‌تواند سبب شود در زمانهای بحران، مانند دوره و سال‌های اخیر، دین به تقویت روحیه مقاومت و همبستگی اجتماعی بیاید و ناهنجاری‌ها را بکاهد. در مقابل در کردستان عناصر فرهنگی و قومیتی تعیین کننده است و توجه به فرهنگ و هویت کردی و ارائه آزادی عمل می‌تواند تأثیر بالایی بر ایجاد احساس رضایت، احساس عدالت، نشاط اجتماعی و شادکامی و رفاه ذهنی مردم کردستان را به همراه داشته باشد. همچنین عدم دخالت در مراسم‌ها و جشن‌های مختلف و عدم دخالت تبعیض‌گرایانه و کنترلی بر جشنواره‌ها می‌تواند میزان شادکامی و رفاه ذهنی را افزایش دهد.

- داشتن نگاه برابر و عدم توجه به تفاوت‌های مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی از سوی حاکمیت می‌تواند یکی از راهکارهای اصلی بالا بردن میزان رفاه به صورت کلی در کشور و در بین مردمان ساکن این جغرافیا باشد، امری که تاکنون تحقق نیافته است.

- توجه به آزادی‌های فرهنگی و قومی نیز عامل مهمی است. در واقع هرچه آزادی بیشتر باشد خصوصاً از لحاظ قومی، فرهنگی و مذهبی، افراد احساس برابری و عدالت بیشتری خواهند داشت و این می‌تواند عامل مهمی در پیشبرد اهداف جامعه باشد و احساس عدالت و برابری، توان تحقق خود را بین افراد افزایش دهد.

فاکتور آزادی و قومیت برای کردها بسیار مهم هستند و بر اساس نتایج تأثیر بسیار زیادی بر رفاه ذهنی دارند. محققین بر این باورند که اهمیت دادن به این تنوع فرهنگی و پذیرش آن می‌تواند جامعه‌ای برابر و شاد بیافریند. بنابراین اهمیت دادن به فاکتور وضع قومی و احترام به تنوع قومی می‌تواند پیامد رفاه ذهنی بیشتر، حس برابری بیشتر و مشارکت اجتماعی بیشتری را به همراه داشته باشد و هرچه یک بخش از موزائیک تنوع قومی ایران شادتر باشد، می‌تواند بر سایر بخش‌ها تأثیر بگذارد.

منابع

- افروغ، عماد. (۱۳۷۳). دین و قشربندی اجتماعی. *فصلنامه راهبرد*، شماره سوم: ۱۱۹-۱۰۴.
- اینگلهارت و دیگران. (۱۳۸۵). توسعه انسانی به مثابه نظریه‌ای برای تغییر اجتماعی؛ ترجمه: حامد حاجی حیدر، *راهبرد یاس*، شماره هفتم.
- بارگاهی، حسین. (۱۳۹۲). رفاه ذهنی و عوامل مؤثر بر آن در میان جوانان ساکن شهر تهران. *پایان‌نامه ارشد* دانشگاه علامه طباطبائی.
- بوردیو، پی.یر. (۱۳۸۵). *علم علم و تأمل پذیری*، ترجمه: یحیی امامی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- بیابانی، آریتا. (۱۳۸۱). بررسی رابطه پایگاه اقتصادی اجتماعی با نوگرایی دینی با تأکید بر دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان‌های دولتی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* جامعه‌شناسی: دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۴). *درباره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه: باقر پرهام. تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۱). *مبانی رفاه اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۹). *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه: احمد موثقی. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- سن، آمارتیا. (۱۳۹۲). *توانمندی و رفاه*، ترجمه: حمیدرضا فرشیدورد. تهران: انتشارات راهبرد یاس، شماره ۴۹.
- سن، آمارتیا. (۱۳۹۳). *آزادی و برابری*، ترجمه: حسن فشارکی. تهران: نشر و پژوهش شیراز، چاپ اول.
- عنبری، موسی. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- فیتز پتریک، تونی. (۱۳۸۵). *نظریه رفاه*. ترجمه: هرمز همایون پور. تهران: انتشارات گام نو، چاپ دوم.
- کجویان، حسین. (۱۳۸۷). *تصورات گفتمان‌های هویت ایرانی: در کشاکش با تجدد و ما بعد تجدد*، تهران: انتشارات نی.

- کرایب، یان. (۱۳۸۱). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر آگه.
- محبوبی، رضا. (۱۳۹۳). رابطه میزان دینداری و احساس رفاه اجتماعی. *رساله دکتری* دانشگاه علامه طباطبائی.
- میلز، آندرو و جف براویت. (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر* مجلس، ترجمه: جمال محمدی، تهران: انتشارات ققنوس.
- نیلی، فرهاد و بابازاده خراسانی، فرهاد. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی ایرانیان. *پژوهش پولی بانکی*. سال ششم. شماره ۱۴.
- هزار جریبی، جعفر و صفری شایبی، رضا. (۱۳۹۲). *آنانومی رفاه*، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۷). *جامعه شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث. چاپ دوم.
- Aghajanian, A. (1983). Ethnic inequality in Iran: an overview. *Faculty Working Papers*.
- Camfield, L., Guillen, R., Velazco, J. (2010). Does needs satisfaction matter for psychological and subjective well being in developing countries: A mixed-methods illustration from Bangladesh and Thailand. *Journal of Happiness Studies*; Vol. 11, Issue 4, pp: 497–516.
- Diener, E. (2005). Guidelines for national indicator of subjective wellbeing and ill-being, *university of linois*; pp. 2-3.
- Kesebir, P. and Diener, E. (2008). "In Pursuit of Happiness: Empirical Answers to Philosophical Questions", *Perspectives on Psychological Science*; Volume 3(2): 117-125.
- Minkov, M. (2009). Predictors of Differences in Subjective Well-Being Across 97 Nations. *Cross-Culthral Research*; no.2:152-179.
- Mohagheqikamal, S. (2015). Territorial analysis of social welfare in Iran. *Journal of International and Comparative Social Policy*; 31 (2015) 271–282.
- Fukuyama, F. (2018). Can democracies survive identity politics? *The economist*.
- Guillen-Royo, Monica and Velazco, Jackeline (2012). Happy villages and unhappy slums? Understanding happiness determinants in Peru. *Happiness Across Cultures*; pp: 253-270.
- Hechter, M. (2005). Karl-dieter, social norms, *russell sage foundation*.
- Knight, J. and Gunatilaka, R. (2012). Aspirations, adaptation and subjective well-being of rural–urban migrants in China. In: Clark D.A. (eds) *Adaptation*,

Poverty and Development. Rethinking International Development Series. *Palgrave Macmillan, London.*

- Sánchez, X., Bailey, C., Arches, E., Muñoz, L. A., González, L., and Miranda, R. (2017). Subjective well-being and the perception of health opportunities: The case study of senior citizens of the neighborhood of Playa Ancha. *World development perspectives*; Vol. 5, pp: 7-9.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی